



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۶

شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳، ۱۵ فوریه ۲۰۲۴

هفته‌ای پر از تلاطم و اعتراض

شهلا دانشفر

جامعه ایران مدت‌هاست که در تلاطم و اعتراض است. هفته گذشته یکی از هفته‌های داغ این تلاطمات بود. در این هفته به مناسبت سالگرد انقلاب ۵۷ درحالی که حکومت خواستار سردادن الله‌اکبر بر روی پشت‌بام‌ها شده بود، مردم جوابش را در چندین شهر و چندین نقطه تهران با مرگ بردیکتاتور دادند. شعارهای "مرگ بردیکتاتور"، "مرگ بر حکومت اعدای" در شعاردهی‌های شبانه طنین‌انداز شد. در شهرستان دهدشت جوانان و مردم معترض چهار شب متوالی به خیابان آمدند و با بنر "از تهران تا دهدشت اتحاد، اتحاد"، بار دیگر شعار مرگ بردیکتاتور را به خیابان کشاندند، لاستیک آتش زدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. آنچه در این شهرستان روی داد جرقه‌ای بود از فضای انفجاری جامعه که زده شد و راه بازگشت به خیابان‌ها را در مقابل کل جامعه قرار داد. در این چهار شب تعدادی دستگیر شدند و اکنون در این شهر و آن شهر از جمله در مشهد و کرمانشاه و مسجدسلیمان مردم با شعارنویسی و با نصب بنر و به دست گرفتن دست‌نوشته‌هایی حمایت خود را از مردم دهدشت اعلام می‌کنند و بدین‌گونه عزم خود را برای سرنگونی حکومت به نمایش می‌گذارند.

اکنون مسئله فوری مردم در دهدشت آزادی بدون قیدوشرط دستگیرشدگان است و حمایت‌های عملی و سراسری از اعتراضات دهدشت و بازداشت‌شدگان، تکثیر این اعتراض در دیگر شهرهاست.

بدین ترتیب جرقه‌های اعتراضات خیابانی و شعاردهی‌های شبانه دوباره زده شده است. تداوم قطعی‌های برق موجب خشم و اعتراض مردم شده است. از جمله جمهوری اسلامی روز ۲۴ بهمن تحت عنوان کمبود سوخت در ۲۵ استان برق را قطع کرد. تکرار قطعی برق در تهران در مناطقی شعاردهی اعتراضی شبانه را به همراه داشته است. قطعی برق فعالیت تولیدی در مراکز کاری و در شهرک‌های صنعتی مختلف را مختل کرده است و روز ۲۴ بهمن ماه کارگران در شهرک صنعتی چهاردانگه با بنری با مضمون "برق نیست، کار نیست، کار نیست، نان نیست" به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی‌شان را سردادند.

هم اکنون شهرک‌های صنعتی با مشکل جدی قطع برق روبرو شده‌اند. قطعی متوالی و روزانه برق، بسیاری از شهرک‌های صنعتی را با وضعیت بحرانی روبرو کرده و با تعطیلی شیفت‌های کاری سونامی‌ای از بیکارسازی به راه افتاده است. این موضوع به فضای اعتراضی در محیط‌های کارگری شدت داده است.

در این هفته همچنین شاهد ادامه سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۳۵ زندان با هدف لغو مجازات اعدام برای همه و برای همیشه بودیم. هم‌زمان خانواده‌های محکوم‌به‌اعدام در تهران و در سقز تجمع داشتند. همراه با این اعتراضات

ادامه در صفحه ۲

چرا حزب کمونیست کارگری به پول بیشتری نیاز

دارد؟

مصاحبه با کیوان جاوید

صفحه ۳

معضل حکومتی مذاکره با آمریکا

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با برنامه پاسخ کانال جدید

صفحه ۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

کل جامعه را به اتحاد علیه فقر و گرانی

فرامی‌خوانیم!

صفحه ۸

اتحاد علیه فقر و گرانی

گفت‌وگو با اصغر کریمی

صفحه ۹

"ترامپسیسم" در ایران، رؤیای تحقق‌نیافتنی

رضا پهلوی

مهران محبی

صفحه ۱۱

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

حکم اعدام شریفه محمدی باید لغو شود!

صفحه ۱۲

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۳

هفته‌ای پر از تلاطم و اعتراض از صفحه نخست



طومارهای اعتراضی گسترده علیه اعدام و در حمایت از پخشش عزیزی و دیگر محکومین به اعدام، پیام‌های حمایتی زندانیان سیاسی از زندان‌ها و از سوی زندانیان سیاسی سابق و اکتیویست‌های اجتماعی علیه اعدام گسترده است و همه اینها نشانگر سنگربندی اجتماعی مردم علیه بساط سرکوب و اعدام حکومت و تلاش برای هموارکردن مسیر پیشروی انقلاب تا به پیروزی رساندن آن است.

از سوی دیگر تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی با بیانیه‌های اعتراضی خود مقابل سرکوبگری‌های حکومت ایستاده و بر تداوم مبارزات خود تأکید دارند. از جمله شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به احکام زندان برای ۵ معلم معترض در خوزستان و صدور شش سال حکم برای هریک از آنان فراخوانی اعتراضی با خواست نقض کامل این احکام را داده است و شماری از فعالین کارگری و معلمین و نیز تشکل‌های مختلف معلمان از آن اعلام حمایت کرده‌اند.

بی‌حجابی و آوازخوانی زنان بخش دیگری از اعتراضات مردمی و جدالی در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و برای جمع کردن بساط آپارتاید جنسیتی حاکم است. قبل از این اعتراض عریان آهو دریایی و ترانه‌خوانی بی‌حجاب پرستو احمدی، این جدال را وارد فاز جدیدی کرد. در این مدت نیز شاهد ادامه اشکالی از اعتراض همچون آوازخوانی بی‌حجاب زنان، رقص مختلط زن و مرد در خیابان، اعتراض عریان و پخش فیلم‌های این اعتراضات در مدیای اجتماعی بودیم. در این هفته در بیست و سوم بهمن ماه نیز گروهی از جوانان در کنار یکدیگر به هم‌خوانی یکی از آهنگ‌های گروه «تی‌ام‌بکس» پرداختند و ویدئوی آن وسیعاً در مدیای اجتماعی به نمایش گذاشته شد. برخی از کاربران فضای مجازی این اجرا را نمادی از «اتحاد جوانان» دانستند به‌خاطر اینکه حتی در «صورت سرکوب و بازداشت»، حکومت توان مقابله با همبستگی این نسل را نخواهد داشت.

موضوع داغ دیگر هفته، رسیدن نرخ دلار به ۹۴ هزار تومان بود. افزایش نجومی نرخ دلار و سونامی گرانی، قطعی متناوب برق در شهرها به بهانه کمبود سوخت و مازوت‌سوزی و تعطیلی‌های متوالی به‌خاطر آلودگی هوا و راهی شدن مردم بسیاری به بیمارستان‌ها جامعه را به نقطه انفجار رسانده است. صعود نرخ دلار، بازار، این نبض اقتصادی جمهوری اسلامی را به تلاطم انداخته است. روز ۲۳ بهمن آب‌شده‌فروشان (صنفا) از طلافروشان) کل ایران در واکنش به نوسانات بازار و رسیدن نرخ دلار به ۹۴ هزار تومان و مسدود شدن حساب‌هایشان دست به اعتصاب زدند. زرمه اعتصاب سراسری از سوی بخش‌های مختلف بازار شنیده می‌شود.

جالب‌توجه اینکه مردم اراک نیز سه‌شنبه‌ها را به‌روز اعتراض خود علیه مازوت‌سوزی این جنایت آشکار حکومت تبدیل کرده‌اند و در این هفته جمعیت بزرگی از آنان با فریاد «مازوت‌سوزی جنایت» و «وزیر کار و نیرو استعفا، استعفا» تجمع اعتراضی بزرگی بر پا کرده و در خیابان‌های شهر مارش رفتند.

جامعه یکپارچه اعتراض است و امروز بیش از هر وقت شعار «اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد» به شعار متحدکننده اعتراضات مردمی تبدیل شده است.

اعتراضات در مراکز کارگری و بخش‌های مختلف آن نیز گسترده‌تر شده است. در نفت این مرکز کلیدی کارگری اعتراضات گسترده است و سه‌شنبه‌های اعتراضات کارگران ارکان ثالث و اعتراضات کارگران رسمی نفت ادامه دارد. از جمله در سه‌شنبه این هفته کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر تجمع داشتند. در این حرکت اعتراضی کارگران معترض با اشاره به نزدیک شدن تعطیلات عید و مشکلات اقتصادی‌شان تجمع خود را پاسخی به تهدیدات امنیتی مدیریت و حراست اعلام کرده و

بر پاسخگویی فوری به مطالباتشان تأکید نمودند. افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران دو خواست کلیدی این کارگران است. کارگران نفت به‌ویژه کارگران ارکان ثالث با شعارهایی چون «شورای عالی کار یک‌مشت مفت‌خور بیکار»، «حقوق عادلانه حق مسلم ماست» علیه تبعیض‌ها به‌پاخاسته و امروز در صف جلوی مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها هستند.

همچنین اعتراضات در میان پرستاران و بخش‌های مختلف درمان ادامه دارد. در این هفته در بیست و پنجم بهمن ماه داروسازان در اصفهان در اعتراض به نرخ دارو و از جمله گران‌شدن بیش از ۴۰۰ قلم از داروهای تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی با شعار «دارو کالای لوکس نیست، بازی با سلامت است» تجمع کردند. پرستاران نیز در مشهد در اعتراض به اخراج دو تن از همکارانشان به‌خاطر اعتراضاتی که داشته‌اند بیانیه داده و ضمن تأکید بر بازگشت فوری آنان به سر کار، پیگیر خواست‌های پاسخ‌نرفته خود شده و اولتیماتوم دادند «از این پس، در صورت تهدید مجدد حتی یک نفر از پرسنل کادر پرستاری و پاک کردن صورت مسئله به‌جای حل آن، تصمیمات قاطع کلیه جامعه پرستاری، فوریت‌های پزشکی، اتاق عمل، بهداشت، مامایی و... اتخاذ و اجرایی خواهد گردید».

یک خواست مهم پرستاران افزایش حقوقها و نرخ اضافه‌کاری‌ها متناسب با افزایش نرخ دلار و متناسب با تورم است. پرستاران می‌گویند: «دستمزد کمتر از ۶۰ میلیون تومان با دلار بالای ۹۰ هزار، کفاف حداقل زندگی را نمی‌دهد». پرستاران همچنین پیگیر دیگر مطالبات خود همچون حذف کامل اضافه‌کاری‌ها و بازگشت به کار همکاران اخراجی و استخدام آنها هستند.

در این هفته بعلاوه، اعتراضات کارگران ذوب آهن فولاد خزر، کارگران پیمانی مخابرات آذربایجان شرقی، کارگران پیمانی سایت پتروشیمی نگین مکران و متقاضیان مسکن شهر قزوین را نیز شاهد بودیم. ضمن اینکه به روال همیشه در این هفته بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای اهواز، شوش، تهران و اصفهان تجمع داشتند و با شعارهای پر شور خود فضای این شهرها را متأثر از شعارهای اعتراضی خود کرده بودند. این در حالی‌ست که بازنشستگان نفت نیز برای روز ۲۷ بهمن در اعتراض به بدتر شدن هر روز بیشتر معیشت خود، به تجمع در مقابل وزارت نفت فراخوان به تجمع داده‌اند. اعتراض بخش‌های مختلف بازنشستگان به فقر و مشکلات معیشتی و محرومیت از درمان و بهداشت و اختلاسگری‌های حاکم و تعرضات امنیتی است. بعلاوه ۸۵ هزار کارگر نفت به طرح ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته اعتراض دارند و عدم دست‌درازی به این صندوق و نیز سقف بازنشستگی و محدودیت حق سنوات از دیگر موضوعات اعتراض این بازنشستگان است.

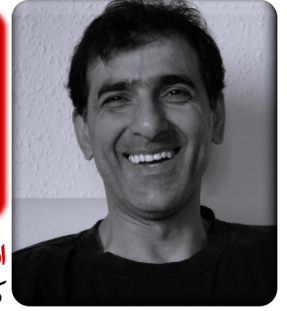
دو نهاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت طی گزارش این خبر و اعلام حمایت از آن بر اتحاد و همبستگی کارگران شاغل و بازنشسته تأکید کردند. بازنشستگان با شعارهایی چون «اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد»، «کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد»، «روسری را رها کن، فکری به حال ما کن»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «فقط کف خیابان، به دست میاد حقمون»، به فریاد اعتراض کل جامعه تبدیل شده‌اند.

بدین‌گونه ما یک هفته پر از تلاطم و اعتراض را پشت سر گذاشتیم.

جمهوری اسلامی در منگنه فشار اعتراضات جامعه دچار سرگیجه شده است و دست‌اندرکارانش مدام هشدار می‌دهند. اقتصاد آن فلج شده و توان اداره جامعه را از دست داده است. صعود نجومی دلار سیر سقوط اقتصاد حکومت را نشان می‌دهد. این حکومت در سطح جهان و منطقه منزوی‌تر از هر وقت است و به دنبال ضربات پی‌درپی که خورده است، استراتژی سیاسی‌اش در منطقه به شکست رسیده است. مردم این ناتوانی را می‌بینند و خود را در موقعیت قدرتمندتری برای رها شدن از جهنم جمهوری اسلامی احساس می‌کنند. این شرایط به اعتراضات مردم کیفیت جدیدی بخشیده است. هفته‌ای که پشت سر گذاشتیم نوک تیز کوه یخ فضای پر از اعتراض جامعه است.*

چرا حزب کمونیست کارگری به پول بیشتری نیاز دارد؟

مصاحبه با کیوان جاوید



انترناسیونال: کمپین مالی سالانه حزب

کمونیست کارگری برای جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار از شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۲۵، ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ آغاز می‌شود. به نظر می‌رسد این مبلغ کمی نیست آیا واقعاً حزب به این مقدار پول نیاز دارد؟ صرف چه کارهایی می‌شود؟

کیوان جاوید: این همه مبلغی نیست که حزب به آن نیاز دارد. در واقع حزب کمونیست کارگری برای پیشبرد همین سطح کار تا امروز باید ۳۰۰ هزار دلار در سال درآمدزایی کند. می‌گویم پیشبرد همین سطح از فعالیت‌ها نه گسترش فعالیت‌ها که باتوجه به شرایط انقلابی در جامعه و نیاز به فعالیت متمرکزتر صدچندان بیشتر احساس می‌شود. حزب کمونیست کارگری باید هزینه یک تلویزیون ۲۴ ساعته را تأمین کند. این فقط یک بخش از هزینه تلویزیون کانال جدید است. کانال جدید نیاز مبرم دارد که حداقل ده فعال حرفه‌ای و آموزش دیده را تأمین مالی کند تا بتوانند تمام وقت نیروی خود را صرف فعالیت کنند. در این زمینه دقیقاً به خاطر مشکلات مالی زیر ظرفیت فعالیت می‌کنیم. اگر کادرهای نیمه‌وقت و پاره‌وقت داوطلب در کانال جدید که بعضاً از سر کار مستقیم به استودیو می‌آیند یا از راه دور کمک می‌کنند، نبودند اصلاً قابل تصور نبود این تلویزیون چطور می‌توانست به کارش ادامه دهد.

این تنها یک نمونه از نیاز شدید ما به پول است. گفتیم جامعه متحول است. یک جنگ تمام‌عیار سیاسی در جامعه در جریان است و احزاب و نیروهای سیاسی یک پای دخالگری در رویدادهای سیاسی هستند. برای این کار هر چه نیروی ح‌وحاضر و در میدان بیشتری داشته باشید به همان اندازه هم می‌توانید در امور سیاسی بهتر و بیشتر دخالتگر باشید. به فعالیت‌های متنوع حزب نگاه کنید. کار در میان کارگران و جوانان و زنان و سازماندهی و دخالتگری میدانی همه این عرصه‌های مبارزاتی حتماً نیازمند فعالین تمام‌وقت است. نمی‌شود در مسائل سیاسی و در جنگ علیه جمهوری اسلامی نیمه‌وقت ظاهر شد. حزب ما حزب تمام‌وقت و تمام لحظات است. برای این کار نیز هر چه موقعیت مالی بهتری داشته باشیم کادرهای رهبری، سازمان‌دهندگان حزبی و کمپینرهای بیشتری را آزاد می‌کنیم تا حتی یک لحظه را در مبارزه با حکومت جانان اسلامی از دست ندهیم. سازماندهی اعتراضات و سفرها و برگزاری جلسات سخنرانی‌ها، دیدارها و مسافرت‌های مربوط به فعالیت سیاسی و... نیازمند امکانات مالی هر چه بیشتری است. مشخصاً در جواب سؤال شما بگویم ما به طور واقعی نیازمند حداقل یک میلیون دلار در سال هستیم تا بتوانیم فعالیت‌هایمان را در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.

انترناسیونال: شما دامنه فعالیت حزب را مشروط به این کرده‌اید که اگر امکانات مالی داشته باشید اقدامات بیشتری در دستور کار می‌گذارید. سؤال این است، مگر این یک حزب داوطلب و سیاسی نیست که طبق تعریف قرار است از طریق داوطلبین فعالیت سیاسی کند؟ پس نقش نیروهای داوطلب چه می‌شود؟

کیوان جاوید: ممکن نیست بشود از پس این همه کارهای متنوع سیاسی و تشکیلاتی بدون حضور کادرهای حرفه‌ای و نیروی تمام‌وقت بر آمد. حزبی که فکر کند با فعالیت نیم وقت در تعطیلات آخر هفته می‌تواند به جایی برسد و تأثیر جدی‌ای در سیاست و میدان مبارزه داشته باشد سخت در اشتباه است و راه به جایی نمی‌برد. اما در همین حال هم فعالیت‌های حزب ما همیشه بر دوش اعضا و کادرهای داوطلب قرار دارد.

غیر از این نبوده و نیست. ما یک شرکت خدماتی یا تولیدی نیستیم. ما یک حزب در خدمت دولت‌ها و نظام سرمایه‌داری جهانی هم نیستیم که به‌سادگی بتوانیم دست به‌سوی دولت‌ها دراز کنیم. ما حزبی هستیم که قصد داریم دست در دست مردم و با سازمان‌دادن مبارزه اجتماعی، جامعه را یک‌بار برای همیشه از شر نابرابری و دیکتاتوری و فقر و فلاکت نجات دهیم. این برنامه ما است. هر کس که در این حزب فعالیت می‌کند با همه وجود به این نوع از فعالیت سیاسی در چهارچوب سیاست‌ها و برنامه حزب اعتقاد دارد. حزب کمونیست کارگری یک حزب سیاسی است که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ایجاد وسیع‌ترین اتحاد و همبستگی در میان مردم و ایجاد همدلی و هم نظری سیاسی و عملی در شبکه‌ها و تشکلهای و نهادهای ضد جمهوری اسلامی پا به میدان مبارزه گذاشته است. در این شکی نیست که ما حزبی هستیم که می‌خواهد با سرنگونی جمهوری اسلامی آزادی و برابری و رفاه و رهایی زن را در جامعه با کمک مردم عملی کند. قدرت باید به دست مردم باشد و برای اینکه در این نبرد بتوانیم جمهوری اسلامی را شکست بدهیم و سیستم نابرابر و تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری را در هم بکوبیم باید تمام‌وقت و بی‌وقفه فعالیت کنیم. ممکن نیست از فعالین حزب که ۸ ساعت در روز سر کار هستند و بعد از آن تازه باید درگیر فعالیت سیاسی بشوند انتظار معجزه بیشتری داشت. می‌گویم معجزه چون همین حالا بخش اعظم فعالین حزب کمونیست کارگری برای تأمین معاش باید کار کنند. مثل همه کارگران و مزدبگیران دیگر باید سر کار بروند تا هزینه خوردوخوراک و کرایه‌خانه و مراقبت از فرزندان و سفر و... را تأمین کنند. انتظار اینکه این دوستان از ۷ صبح تا ۱۲ شب در کانال جدید فعالیت داوطلبانه کنند با عقل جور در نمی‌آید. همانطور که صدای آمریکا و بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال کادر رسمی دارند (که فقط برای تأمین معاش در این رسانه‌ها کار می‌کنند) کانال جدید هم با این وسعت از فعالیت باید تعدادی از کادرهای سیاسی و فنی خودش را تأمین کند. بخش عمده‌ای از فعالیت منظم و بی‌وقفه در رسانه‌ای حزبی و نشریات و حضور مداوم در خیابان و سازماندهی اعتراضات خیابانی و اقدامات عاجل دیگر در حزب ما روی دوش فعالینی قرار دارد که برای تأمین زندگی خود مجبور به کار هستند. این وضعیت اگر تغییر کند فعالیت سیاسی و مبارزاتی حزب بسیار بیشتر می‌شود و کیست لزوم و مبرمیت و حیاتی بودن گسترش چنین فعالیت‌هایی را حس نکند.

انترناسیونال: با این حساب انتظار کمک مالی از چه طیفی از جامعه را دارید؟

کیوان جاوید: از همه. مطلقاً از همه انسان‌های شریف و آزادی‌خواه و مبارز انتظار کمک داریم. از همه کسانی که در تظاهرات‌های ۱۰۰ هزار نفره برلین و یا در تجمعات و تظاهرات‌های ونکوور و تورنتو و استکهلم و لندن و... شرکت داشتند و سرنگونی جمهوری اسلامی را فریاد زدند انتظار کمک مالی داریم. از همه مدافعان حقوق زن که می‌خواهند زن در جامعه آزاد و برابر باشد و هویت و کرامت زن در جامعه تضمین شود انتظار کمک داریم. از هر کس که به صحنه سیاسی ایران نگاه می‌کند و حزب کمونیست کارگری را در مقابله با جمهوری اسلامی و در دفاع تمام‌قد از آزادی و خوشبختی انسان‌ها می‌بیند انتظار کمک داریم. از کسانی که ما را در عرصه دفاع بیش از ۳۰ سال از پناهجویان ایرانی می‌بینند و می‌دانند جان و زندگی چه تعداد زیادی را نجات دادیم و حتی با کمک سایر جریان‌های مدافع حقوق پناهندگی

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

سوئد:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDNSESS

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

کمک خود را همچنین می‌توانید از طریق پی‌پل پرداخت کنید:

Donate (paypal.com) یورو

Donate (paypal.com) دلار

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج:

سیامک بهاری ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بایک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

چرا حزب کمونیست کارگری به پول بیشتری نیاز دارد؟

از صفحه ۳

ایرانی و غیرایرانی باعث تغییر قوانین پناهندگی به نفع فراریان از دست دیکتاتورها و جمهوری اسلامی شدیم انتظار کمک داریم. ما از کسانی که هر سال ما را مقابل سازمان جهانی کار دیدند که زندگی فرستادگان جمهوری اسلامی را در این مجمع جهانی تلخ کردیم، انتظار کمک داریم. ما انتظار داریم در مقابل رسانه‌های سازش‌کار و مدافع همیشگی اصلاح‌طلبان حکومتی مانند پی‌پی‌سی از کانال جدید که صدای انسانیت و آزادی خواهی است حمایت مالی کنند.

مطلقاً از همه انسان‌هایی که فعالیت از روز اول حزب ما را در مقابل جمهوری اسلامی (در مقابل "اصول‌گرا" و "اصلاح‌طلب") دیدند انتظار کمک مالی داریم. از همه مردم در داخل ایران، خصوصاً آنهایی که وضعیت مالی بهتری دارند انتظار داریم برای سرنگونی انقلاب جمهوری اسلامی به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنند. از ایرانیان خارج از کشور، باز هم خصوصاً از آن دسته از عزیزانی که برای رهایی مردم ایران از شر جمهوری اسلامی لحظه شماری می‌کنند، انتظار داریم ما را تحت پوشش مالی منظم قرار بدهند. این جامعه تشنه آزادی و برابری و رفاه و انسانیت به حزبی همچون حزب ما نیاز دارد. کمک کنیم تا جمهوری اسلامی همه قدرت این حزب را ببیند و جامعه برای رهاشدن بیش از این به قدرت حزب تکیه کند. ۱۵۰ هزار دلار پول اصلاً زیادی نیست. کافی است بپذیریم بدون این حزب جامعه از نظر سیاسی در این سطح از اتحاد و همبستگی اجتماعی قرار نداشت. اینها را ما با عمل روزمره و ۳۰ و چند سال تاریخ این حزب اثبات کردیم.

آدرس‌های بانکی و شماره‌های تماس اینجا ضمیمه است:

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان پیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

گسترده از قبل پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران



معزل حکومتی مذاکره با آمریکا تدوین شده بر مبنای مصاحبه با برنامه پاسخ کانال جدید

روی دیگر همین سکه است. ظاهر را حفظ می کنند تا از ضدیت با شیطان بزرگ، همان پارادایم کهنه مورد اشاره ظریف، لاقلاً در حرف کوتاه نیامده باشند.

حسن صالحی: اینها در این ۴۶ سال همین جهت گیری ضدآمریکایی را داشته اند و به نظر می رسد این سیاست حکومت دیگر به بن بست رسیده است. به نظر شما الان کجا قرار داریم؟

حمید تقوایی: بله گرچه این جهت گیری و حتی ضدونقیض گویی ها تازه نیست؛ ولی شرایط کاملاً تازه است. شرایط کاملاً به ضرر جمهوری و سیاست و گفتمان ضدآمریکایی - ضد غربی اش تغییر کرده است. این را همه می دانند. هم از نظر منطقه ای و هم بخصوص در خود ایران با جنبشی که حدود دو سال و نیم است ادامه دارد و حکومت هم هیچ جوابی برایش ندارد.

از نظر به هم ریختگی صفوف حکومت هم هیچ زمان رژیم چنین ضعیف و درمانده نبوده است. رئیسی را ساقط کردند و دولت پزشکیان هم مطلقاً هیچ راه حل، حتی در ادعا و لفظ و تبلیغات برای بحران همه جانبه ای که گریبان حکومت را گرفته است ندارد.

از نظر وضعیت اقتصادی هم رژیم به آخر خط رسیده است. امروز دلار به بالای ۹۰ هزار تومان رسیده و همه پیش بینی می کنند تا نوروز ممکن است از صد هزار تومان رد بشود. این یعنی بی ارزش شدن کامل ریال. جامعه به سمتی می رود که باید دو گونی اسکناس ببرد یک تخم مرغ بخرد. الان حتی سیب زمینی هم گران و از دسترس مردم خارج شده.

حکومت هر رابطه ای با آمریکا داشته باشد این از هم پاشیدگی اقتصادی درمان نخواهد شد. حتی دیگر بحران اقتصادی وضعیت را توضیح نمی دهد. حکومت از تأمین مایحتاج اولیه مردم عاجز است. تأمین ابتدائیات زندگی از برق و آب و هوا و حتی هوای قابل تنفس هر روز برای توده مردم سخت تر و غیرقابل تحمل تر می شود. این یک مسئله واقعی اجتماعی است و خیلی روشن است با تشدید تحریم ها بدتر و بدتر خواهد شد. اما اگر تحریم ها هم تخفیف پیدا می کرد و یا حتی تماماً لغو می شد زندگی توده مردم تغییر چندانی نمی کرد. در دوره برجام تحریم ها برداشته شد؛ ولی وضعیت معیشتی مردم بهبودی نیافت. عواید برجام یا صرف ارگان های سرکوب و نیروهای نیابتی رژیم شد و یا به جیب گشاد آیت الله های

حسن صالحی: خامنه ای که از زمان انتخاب ترامپ به نوعی برای مذاکره با آمریکا چراغ سبز نشان داده بود هفته گذشته صریحاً علیه این امر موضع گرفت. گفت مذاکره با آمریکا شرافتمندانه نیست و هیچ مشکلی را حل نمی کند. بعد از آن پزشکیمان و دیگر مقامات دولت که قبلاً از آمادگی حکومتشان برای مذاکره با آمریکا صحبت می کردند یک شبه تغییر موضع دادند و در مخالفت با مذاکره با آمریکا صحبت کردند. به نظر شما دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟ بعضی می گویند این مربوط به مواضع اخیر ترامپ است. ویدئویی در فرادای اجتماعی از قالبیاف پخش شده که ترامپ می خواهد ما موشک و کلاً هیچ سلاح متعارفی هم نداشته باشیم و می خواهند جمهوری اسلامی را خلع سلاح بکنند. ارزیابی شما چیست؟

حمید تقوایی: این اظهارات قالبیاف و دیگران تلاشی است برای وجیه المله کردن مواضع خامنه ای که نباید جدی گرفته شود. اما گذشته از این مسئله این نوع موضع گیری های ضدونقیض خامنه ای و دولت امر تازه ای نیست. این به نعل و به میخ زدن همیشه بوده است. در دوره مذاکراتی که به قرارداد برجام ختم شد هم خامنه ای بارها اعلام کرد برجام به نفع نیست و به آمریکا نمی توان اعتماد کرد و اظهاراتی از این قبیل. یعنی همان زمان که ظریف و دیگر نمایندگان دولت روحانی با تأیید خود خامنه ای مشغول مذاکره بودند او تلاش می کرد موضعی انتقادی داشته باشد و خود را از موضوع دور نگه دارد. زمانی هم که ترامپ برجام را ملغی کرد خامنه ای طلبکار شد که از اول گفته بودم!

خامنه ای همیشه در تبلیغات و مواضع رسمی علیه مذاکره و تعامل با آمریکا صحبت کرده است. در دوره تقابل موشکی با اسرائیل هم خامنه ای اعلام کرد سیاست ما در قبال آمریکا نه جنگ نه مذاکره است. امروز هم بعد از اینکه عراقچی، پزشکیان، و صریح تر از همه ظریف، از مذاکره با آمریکا و چشم انداز مذاکره و آمادگی برای مذاکره با آمریکا صحبت کردند خامنه ای ناگهان موضع معکوسی گرفت. ظریف حتی در مقاله ای که در یک نشریه معتبر آمریکایی چاپ شد گفت ما آماده مذاکره با دولت ترامپ و هر دولت دیگری هستیم. او گفت دولت پزشکیان از پارادایم کهنه عبور کرده و دوره گفتگوی سازنده با غرب فرار رسیده است. پزشکیان و عراقچی هم در همین جهت صحبت می کردند. روشن است که این اظهارات و تلاش ها برای باز کردن باب گفتگو با آمریکا تنها می تواند با اجازه و تأیید خامنه ای صورت گرفته باشد. ضدیت علنی خامنه ای با مذاکرات

میلیاردر سرانیز گشت. بحران اقتصادی مزمن حکومت هم ناشی از تحریم‌ها نیست. ما همیشه با تحریم اقتصادی مخالف بوده‌ایم؛ چون هزینه‌اش را توده مردم می‌پردازند؛ اما ریشه بحران اقتصادی و امروز باید گفت فلج و فروپاشی اقتصادی حکومت تحریم‌ها نیست؛ بلکه سیاست غرب‌ستیزانه و بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی حکومت است که به انزوای رژیم از بازار جهانی منجر شده است. امروز هم مشخصاً سقوط آزاد قیمت ریال و تورم و گرانی نجومی که زندگی مردم را درهم می‌فشارد مستقیماً از همین استراتژی ضد غربی حکومت ناشی می‌شود. با آمدن ترامپ این تقابل شدت گرفته است و در این شرایط حتی یک قدم بهبود اقتصادی و یک درجه تخفیف بر فشاری که بر دوش مردم است ممکن نیست و این خود رژیم لرزان و بی‌ثبات جمهوری اسلامی را بی‌ثبات‌تر می‌کند.

به همین خاطر من فکر می‌کنم این بار رژیم ناگزیر است پای میز مذاکره برود و در عین حال ناگزیر است به نحوی ظاهر غرب‌ستیزانه‌اش را هم حفظ کند. ما همیشه گفته‌ایم ضدیت با غرب و ضدآمریکایی‌گری یک سیاست هویتی حکومت است و هر نوع کوتاه آمدن در این زمینه، بخصوص از زیان خامنه‌ای، ضربه‌ای به کل موجودیت حکومت خواهد بود.

یک جنبه دیگر هم که باید اینجا توضیح داد این است که تحریم‌ها یک ممر درآمد و کسب سودهای هنگفت برای بخشی از مافیای اقتصادی حاکم است. باندهایی که خود حکومتی‌ها "کسبه تحریم" می‌نامند. منافع مستقیم این باندها ایجاب می‌کند تحریم‌ها ادامه پیدا کند تا اینها از بازار قاچاق و تفاوت نرخ ارز و رانت حکومتی و هزار و یک بندوبست دیگر ثروت بیشتری انباشته کنند. این هم علت مشخصی است که به صورت مانعی بر سر راه عادی شدن رابطه رژیم با غرب و آمریکا عمل می‌کند.

این جنبه دوم از همان ابتدای روی کار آمدن رژیم عامل مهمی بود. اگر به خاطر داشته باشید بنی صدر در زمان ریاست جمهوری‌اش اعتراف کرد ارز دونه‌ای منبع مهمی برای کسب درآمد عده‌ای از آقاها شده است، به نرخ دولتی می‌خرند و به نرخ آزاد می‌فروشند و بدون اینکه هیچ فعالیت اقتصادی کرده باشند یک‌شبه میلیونر می‌شوند. این بساط چپاول در سیستم اقتصادی رژیم نهادینه شده و تا امروز ادامه یافته است.

حسن صالحی: گفتید رژیم ناگزیر به مذاکره است. اما اگر بهر دلیلی مذاکره صورت نپذیرد عکس العمل آمریکا چه خواهد بود؟ آیا به اقدامات نظامی روی خواهد آورد؟

حمید تقوایی: ترامپ قبلاً گفته بود اگر می‌خواهید ایران بمباران نشود باید مذاکره کنید. بعد از اظهارات خامنه‌ای هم همین را تکرار کرد. این راهم تصریح کرده‌اند که عامل حمله اسرائیل خواهد بود. ولی به نظر من این تهدیدات نظامی اهرم فشاری است برای بپای میز مذاکره کشیدن جمهوری اسلامی. اما ابزار اصلی ترامپ اقتصاد است. ترامپ در سیاست خارجی‌اش اساساً اقتصاد را به عنوان یک ابزار سیاسی بکار می‌گیرد. به عنوان مثال مسئله افزایش تعرفه‌های گمرکی که اخیراً ترامپ علیه کانادا و مکزیک و چین و اروپای واحد دستور آن را صادر کرده، اهرم فشاری است به این کشورها برای تن دادن به سیاست‌های خارجی دولت آمریکا از جمله در رابطه با ناتو و غزه و اوکراین و غیره.

این که این ابزار چقدر عملی است و یا می‌تواند مؤثر باشد بحث دیگری است؛ ولی در هر حال یک ویژگی ترامپ این نوع استفاده از اهرم‌های اقتصادی در عرصه سیاست است. در رابطه با جمهوری اسلامی هم همین برخورد را دارد. اعلام کرده است تحریم‌ها را تشدید می‌کند، جلوی قاچاق نفت را می‌گیرد و صادرات نفت جمهوری اسلامی را به صفر می‌رساند،

کشورهایی که با جمهوری اقتصادی رابطه اقتصادی دارند را نیز تحریم می‌کند و غیره و تصورش این است که این فشارها رژیم را مجبور به مذاکره خواهد کرد. گفتمان بمباران و حمله اسرائیل را هم فعلاً مثل یک ساطور بالای سر رژیم نگه داشته است. اما به نظر من دولت ترامپ قصد حمله نظامی ندارد و ترجیح می‌دهد با تشدید فشار اقتصادی جمهوری اسلامی را وادار به مذاکره و پذیرش شرایطش کند. حتی اگر حمله نظامی هم صورت بگیرد هدف از مراکز هسته‌ای و نظامی رژیم فراتر نخواهد رفت. بمباران به معنی درهم کوبیدن حکومت، شبیه آنچه در عراق یا افغانستان اتفاق افتاد، در دستور کار دولت آمریکا نیست. موقعیت امروز دولت آمریکا، مستقل از اینکه رئیس‌جمهور چه کسی است، اجازه نمی‌دهد تجربه عراق و یا افغانستان را تکرار کند. از این رو به نظر من هدف آمریکا حتی از نظر استراتژیک هم اعمال فشار اقتصادی برای ناگزیر ساختن حکومت به مذاکره و به تن دادن به شرایط دولت آمریکاست.

حسن صالحی: به تحریم‌های نفتی اشاره کردید. اقتصاد ایران متکی به نفت است. جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند این تحریم‌ها را تحمل کند؟ چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی؟

حمید تقوایی: به نظر من جمهوری اسلامی بدون تشدید تحریم‌ها هم حتی قادر به ادامه همین وضع امروز نیست. این را خود حکومتی‌ها بارها اذعان کرده‌اند. پیش‌بینی کرده بودند که اگر دلار به ۹۰ هزار تومان برسد اقتصادشان تماماً از هم خواهد پاشید و الان دلار دارد به صد هزار تومان نزدیک می‌شود و این یعنی سقوط آزاد و شتابان نه تنها ارزش ریال بلکه کل اقتصاد جمهوری اسلامی. در اثر این شرایط فی الحال نه تنها اقتصاد فروپاشیده؛ بلکه کل جامعه و زندگی اجتماعی متوقف شده است. مایحتاج اولیه زندگی و کل اجناس ساعت به ساعت گران‌تر می‌شود، مراکز تولیدی و بازار و دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز اقتصادی و اجتماعی بیشتر می‌شود، و به مدت طولانی تری، تعطیل می‌شوند، و این یعنی فلج کامل زندگی روزانه. به این وضعیت با رجزخوانی و قلدری و هاهو تبلیغاتی نمی‌توان پاسخ داد. این هاهو حتی وضعیت را بدتر می‌کند. به همین خاطر همانطور که توضیح دادم رژیم نهایتاً ناگزیر است نه تنها مذاکره کند؛ بلکه به شرایط ترامپ تن بدهد.

خامنه‌ای و کل حکومت هم می‌دانند که چاره‌ای به جز مذاکره و حتی پذیرش شرایط آمریکا ندارند. خامنه‌ای با وجود اینکه مذاکره با آمریکا را شرافتمندانه و عاقلانه ندانست صریحاً آن را ممنوع اعلام نکرد. آن طور که مثلاً علیه خرید واکسن کرونا حکم حکومتی صادر کرده بود. فردای سخنرانی خامنه‌ای کمیسیون امنیت مجلس اطلاعیه رسمی داد و گفت "مذاکره ممنوع نیست، بلکه مضر است!" غیر "شرافتمندانه و غیرعاقلانه" تخفیف داده می‌شود به "مضر"، و مهم‌تر از آن اعلام می‌شود مذاکره ممنوع نیست! در حالی که کمیسیون کذابی امنیت ملی‌شان می‌توانست تأکید کند که مذاکره مردود و محکوم است و به فرموده آقا نباید مذاکره کرد و غیره، تعبیر بسیار ملایم‌تری از صحبت‌های خامنه‌ای به دست می‌دهد. روشن است که این موضع‌گیری نمی‌تواند بدون تأیید خامنه‌ای و حتی توصیه خود او صورت گرفته باشد. خامنه‌ای خودش دارد یادآوری می‌کند که نگفته است مذاکره ممنوع است و این یعنی در را باز گذاشتن برای شروع مذاکره با این توجیه که شرایط تغییر کرده و دیگر مضر نیست! این چراغ‌سبزی است برای ادامه تلاش‌های پزشک‌کیان و ظریف و عراقچی. این را هم باید در نظر داشت که در هر حال امکان مذاکره مخفیانه هم وجود دارد و به احتمال زیاد از همین حالا مشغول ردوبدل کردن پیام و پس‌گام و تدارک زمینه‌های مذاکره هستند.

حسن صالحی: وقتی به گذشته‌های دورتر برمی‌گردیم این سیاست ضدآمریکایی حکومت در مقطعی به عنوان عامل تثبیت حکومت عمل کرده است. مثلاً تسخیر سفارت آمریکا ابزار و چماقی شد برای کوبیدن اعتراضات و مبارزات مردم که در واقع ادامه انقلاب ۵۷ بود. اما به نظر می‌رسد که امروز

کامل رسیده‌اند و به تعامل با آمریکا و کل غرب نیاز دارند. می‌دانند باید این جهت‌گیری را عملاً کنار بگذارند و به نظر من این کار را خواهند کرد.

حسن صالحی: الان اعتراضات زیادی در جامعه در جریان است. این اعتراضات و مطالبات چه تأثیری می‌تواند روی رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی داشته باشد؟ اطلاع دارید که دولت آمریکا برای اولین بار به قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل در محکومیت جمهوری اسلامی به‌خاطر نقض حقوق بشر رأی ممتنع داد. به نظر شما علت این امر چیست؟

حمید تقوایی: روشن است که فاکتور تعیین‌کننده در روابط دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی مسئله موقعیت رژیم در خود ایران است. اگر تحولی مثل جنبش زن زندگی آزادی را نداشتیم بسیاری از موضع‌گیری‌های دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی علیه نقض حقوق بشر در ایران هم اتفاق نمی‌افتاد. مناسبات و روابط متقابل غرب و حتی دولت‌های منطقه با جمهوری اسلامی مستقیماً تابعی است از رابطه جمهوری اسلامی با مردم و توسل دولت‌ها به نقض حقوق بشر در ایران از اینجا ناشی می‌شود.

در رابطه دولت ترامپ با جمهوری اسلامی هم ضعف حکومت در مقابل مردم ایران جایگاه مهمی دارد؛ اما ویژگی ترامپ این است که اهل حقوق بشر نیست! حتی یکبار نشنیده‌ایم که ترامپ در اظهاراتش نه تنها علیه جمهوری اسلامی، بلکه علیه دولت‌های دیگر مثل چین و کره شمالی و سایر دولت‌هایی که با آنها مسئله دارد به نقض حقوق بشر اشاره‌ای داشته باشد. این مقوله کلاً از دستگاه فکری او غایب است. ترامپ نه تنها به نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر اعتراضی ندارد؛ بلکه حقوق بشر در خود آمریکا را هم دارد هر روز زیر پا می‌گذارد! در برخورد به مهاجرین و زنان و رنگین‌پوستان و غیره. در همین مدت کوتاه ریاست‌جمهوری‌اش پرونده‌های متعددی علیه او به‌خاطر نقض قانون اساسی و نقض حقوق بشر باز شده است. دولت او حتی از شورای حقوق بشر سازمان بشر خارج شد و دیوان کیفری بین‌المللی (دادگاه لاهه) را نیز تحریم کرد! بنابراین جای تعجبی نیست که بعد از ریاست‌جمهوری ترامپ دولت آمریکا بر خلاف گذشته نقض حقوق بشر در ایران را محکوم نمی‌کند. به نظر من در تمام مدت ریاست‌جمهوری ترامپ این اتفاق نخواهد افتاد.

تمام تمرکز ترامپ بر پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی و موقعیت منطقه‌ای رژیم و رابطه‌اش با اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه است. البته دولت‌های اروپایی هم همین نوع اهداف را دنبال می‌کنند؛ ولی تلاش می‌کنند این اهداف را در پوشش احترام به حقوق بشر بپوشانند.

کلاً دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی سعی می‌کنند با مطرح کردن حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی افکار عمومی مردم ایران و کشورهای خودشان را نیز با خود داشته باشند. دولت بایدن هم همین سیاست را داشت.

اما همانطور که اشاره کردم آمریکای دوران ترامپ این خط را دنبال نمی‌کند و به نظر من نخواهد کرد. به نظر من حتی این سکوت ترامپ در مورد نقض حقوق بشر می‌تواند چراغ‌سبزی به حکومت اسلامی باشد مبنی بر اینکه با مذاکره و تن دادن به خواست‌های دولت ترامپ، فشار دولت‌ها بر جمهوری اسلامی در رابطه با نقض حقوق بشر هم منتفی می‌شود. ترامپ دارد عملاً و به نظر من آگاهانه، این سیگنال را می‌دهد و به حکومت اسلامی این پیام را می‌فرستد با این هدف که جمهوری اسلامی به امید اینکه فشار جهانی بر سر مسئله حقوق بشر از سرش برداشته شود پای میز مذاکره با ترامپ برود. این جا دیگر توهمات ترامپ و خامنه‌ای به هم می‌پیوندند. رابطه جمهوری اسلامی و دولت ترامپ به هر نتیجه‌ای برسد مردم به‌پاخاسته ایران تا در هم کوبیدن کل نظام جمهوری اسلامی دست از سرش برندارند و این فاکتور مبارزات مردم است که در سطح جهانی محکومیت و طرد جمهوری اسلامی به‌خاطر جنایاتش علیه مردم ایران را زنده نگاه خواهد داشت.

۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۳ فوریه ۲۰۲۵

این سیاست به یک معضل جمهوری اسلامی تبدیل شده است و حنای این ضدیت با آمریکا دیگر در نزد مردم رنگی ندارد. شما چه ارزیابی‌ای دارید؟ حمید تقوایی: درست می‌گویید. من همیشه گفته‌ام جمهوری اسلامی با شعار مرگ بر شاه سوار بر انقلاب شد و با شعار مرگ بر آمریکا انقلاب را کوبید.

درست بعد از سقوط شاه مردمی که به انقلابشان ادامه دادند تا به خواست‌هایشان برسند با حکومتی روبرو شدند که روی کار آمده بود تا جلوی خواست‌های انقلابی آنها را بگیرد. ضدانقلابی که تحت نام انقلاب به قدرت رسیده بود سیاست‌هایی را در پیش گرفت تا توجه‌ها را از خواست‌ها و توقعات مردم منحرف کند و اعتراضات رو به گسترش در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و کل جامعه را تحت‌الشعاع مسائل دیگر قرار بدهد. ضدیت با شیطان بزرگ ابزار مؤثری برای این امر بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ضدیت با آمریکا بر فضای اعتراضی و در میان نیروهای اپوزیسیون مسلط بود و جمهوری اسلامی با استفاده از این فضا، و با اتکا به ضدیت ارتجاعی اسلام با تمدن و فرهنگ مترقی و مدنی غرب، شعار داد بعد از شاه نوبت آمریکاست و با حمله به سفارت آمریکا، و بعد هم جنگ با عراق، ضدیت با شیطان بزرگ را به یک رکن سرکوب و عقب راندن جامعه تبدیل کرد. به یاد دارید که در دوره جنگ شعار می‌دادند فتح قدس از طریق کربلا. یعنی در جنگ با صدام هم با اسرائیل و آمریکا طرف هستیم!

آن دوره به سرعت سپری شد. در همان بحبوحه جنگ ایران و عراق دیگر این حنای "بعد از شاه نوبت آمریکاست" رنگی نداشت. بالاخره جمهوری اسلامی نه با این ترفندهای ضدآمریکایی، بلکه نهایتاً با یورش به مردم در ۳۰ خرداد ۶۰ و اعدام‌های دهه شصت توانست انقلاب را در هم بکوبد.

از همان زمان این روند کسب مشروعیت از طریق ضدآمریکایی‌گری معکوس شد تا حدی که امروز مردم شعار می‌دهند "دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکاست" و یا "فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن. این آمریکا و غرب‌ستیزی دیگر کاربردی ندارد و جمهوری اسلامی هم این را خوب می‌داند. اگر الان بر طبل ضدآمریکایی‌گری می‌کوبد اساساً به این دلیل است که اعوان‌و انصار خودش مثل سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و سرکوبگرش در ایران و ته‌مانده نیروهای نیابتی‌اش در منطقه را که با این ایدئولوژی بارشان آورده و به جنگ مردم ایران و منطقه فرستاده را از دست ندهد.

علت دیگر که امری عمومی و خصلت همه دیکتاتوری‌هاست نیاز رژیم به یک دشمن خارجی است تا اولاً همه مصائب و مشکلات را به گردن او بیندازد و ثانیاً هر حرکت اعتراضی مردم را توطئه دشمن قلمداد کند. امری که جمهوری اسلامی از همان دوره خمینی فعالانه دنبال کرده و همچنان ادامه می‌دهد. اما هیچ زمان، و به‌ویژه امروز، هیچ یک این نوع دشمن‌تراشی و دشمن‌پناهی‌ها در جامعه و در میان توده مردم تأثیری نداشته و ندارد. همان شعار "دشمن ما همین جاست" که بالاتر اشاره کردم به‌خوبی بی‌خاصیت شدن این ترفند را نشان می‌دهد. در این سیاست عَلم کردن دشمن خارجی هم هدف رژیم جلب حمایت توده مردم نیست؛ بلکه حفظ نیروهای امنیتی و سرکوبگرش و جلوگیری از ریزش آنهاست.

اینها فاکتورهایی هستند که پارادوکس حاضر را ایجاد کرده است: از یک‌سو از نظر سیاسی و استراتژیک ناگزیرند، به‌ویژه اکنون که ترامپ مجدداً به ریاست‌جمهوری رسیده، همچنان گفتمان رتوریک ضد غربی‌شان را حفظ کنند و از سوی دیگر از نظر اقتصادی به ورشکستگی

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران کل جامعه را به اتحاد علیه فقر و گرانی فرامی خوانیم!

می‌گیرند تا درآمدهای نجومی آیت‌الله‌ها، آقازاده‌ها و قشر مفت‌خور حاکم و هزینه نجومی ارگان‌های سرکوبشان تضمین شود. کل جامعه باید علیه این وضعیت بلند شود و همراه با بخش‌های مختلف کارگران صف قدرتمندی را در مقابله با مفت‌خوران حاکم سازمان دهد و خواهان حقوقی متناسب با یک زندگی انسانی برای همه کارگران، معلمان، بازنشستگان، کادر درمان و کارکنان ادارات شود. با بیانیه‌ها و طومارها و فراخوان‌ها با امضای تعداد هر چه بیشتری از چهره‌ها و نهادهای فعال در عرصه‌های مختلف و با پیوستن به تجمعات و اعتراضات کارگران فعالانه از آنها حمایت کنیم.

بودجه‌های هنگفتی که صرف گله آخوند و دمودستگاه مذهب یا صرف تسلیحات و سرکوب و جاسوسی علیه مردم، صرف گروه‌های اسلامی در منطقه و صرف فساد و دزدی و حقوق‌های نجومی خودی‌هایشان می‌شود باید قطع شود، و صرف دستمزدها و رفاه عمومی جامعه گردد. این را به یک گفت‌وگو و خواست همگانی تبدیل کنیم و همه‌جا فریاد بزنیم.

حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های جامعه و تشکل‌های مختلف مردمی را، دانشجویان و دانش‌آموزان، فعالین حقوق زن، دادخواهان، هنرمندان و نویسندگان و وکلا و همه مردم آزاده را به حمایت از جنبش بر سر معیشت و رفاه فرامی‌خواند.

دست حاکمان دزد و میلیاردر از جامعه کوتاه

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۵

"فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی" و "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" دو شعار استراتژیک و مهم علیه فقر و فلاکت و حقوق‌های شرم‌آوری است که جمهوری اسلامی به کارگران و به اکثریت عظیم جامعه تحمیل کرده است. کارگران و بازنشستگان مدت‌هاست با پرچم اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد به میدان آمده‌اند. زمان آن فرارسیده است که همه ما فعالین و نهادها در بخش‌های مختلف جنبش کارگری، همه فعالین حقوق زن، فعالین جنبش دانشجویی، نویسندگان و هنرمندان، دادخواهان، وکلا، و همه نهادها و فعالین و مردمی که خواهان سرنگونی حکومت نکبت اسلامی هستند، نیز در صفی متحد و یکپارچه علیه فقر و فساد و گرانی به میدان بیاییم.

یک پیشروی مهم مردم در سال‌های گذشته سه جنبش قدرتمند علیه حجاب، دادخواهی و علیه اعدام است. حول این جنبش‌ها اتحاد و همبستگی عمیقی شکل گرفته و این جنبش‌ها هر روز از قدرت بیشتری برخوردار می‌شوند. اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش‌های مختلف جامعه که معیشتشان هر روزه مورد دستبرد چپاولگران حاکم است و شکل دادن به صف قدرتمندی از مبارزه علیه فقر و گرانی جبهه دیگری از نبرد مردم با حکومت و در تداوم انقلاب است. جبهه‌ای که در آن کارگران نفت و بازنشستگان و پرستاران در صف مقدم آن قرار دارند. این جبهه را نیز باید با تمام قوا تقویت کرد.

یک خواست مهم این جبهه افزایش دستمزد تمامی حقوق‌بگیران جامعه تا سطحی است که یک زندگی انسانی را تأمین کند. داریم به آخر سال نزدیک می‌شویم، به روزهایی که میلیاردرها و حاکمان فاسد اسلامی در مورد دستمزد چندرغاز و چند بار زیر خط فقر برای کارگران تصمیم

پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات

جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته و صفوفش در حال به هم ریختن است. زمان آن فرارسیده است که همه‌جا خود را متشکل کنیم. شوراهای سازماندهی یک ضرورت عاجل در شرایط کنونی و یک شیوه مهم سازماندهی در همه کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و در محلات همه شهرها است. رژیم در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار گرفته و شرایط برای متشکل شدن از همیشه آماده‌تر است.

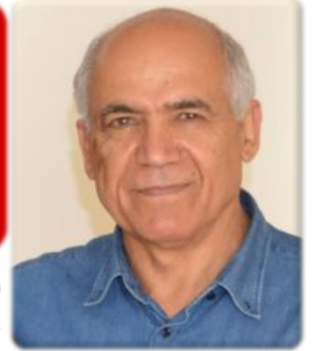
شوراهای سازماندهی در نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان الگوهای مناسبی برای ایجاد این شوراهای در همه مراکز کارگری و در محلات مختلف شهرها است. شوراهای سازماندهی اعتراضات ابزار مناسبی برای متحد نگه داشتن مردم و هدایت اعتراضات و اعتصابات است. ابزار مهمی برای متحد کردن و متشکل کردن مردم حول شعارهای آزادی‌خواهانه و متحدانه و جلوگیری از شعارهای انحرافی است. ابزار دخالت توده‌های وسیع مردم و ابزار مؤثری در ادامه کاری مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری، جوانان معترض و همه بخش‌های جامعه را فرامی‌خواند که در هر شهر و محلی که می‌توانند، دست‌به‌کار ایجاد شوراهای شوند. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت می‌کند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

اتحاد علیه فقر و گرانی

گفت‌وگو با اصغر کریمی



خاص خود را دارد. بی‌حجابی یک مبارزه اساساً فردی اما بسیار توده‌ای است که محصول شرایط خاصی است که با انقلاب زن، زندگی، آزادی شکل گرفته است. اما اجازه بدهید به جنبش کارگری و جنبش برای معیشت و رفاه برگردم.

معیشت مسئله ده‌ها میلیون نفر از مردم است. میلیون‌ها مردم محرومی که در حاشیه شهرها فاقد کوچک‌ترین امکانات زندگی هستند، میلیون‌ها جوان بیکار، میلیون‌ها زن سرپرست خانواده که با کوچک‌ترین درآمدی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اکثر دانشجویان و دانش‌آموزان، دست‌فروشان و غیره و غیره که ۹۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند زندگی فلاکت‌باری دارند و حق دارند، حق مسلم دارند که به‌عنوان یک شهروند از یک زندگی انسانی و درآمد کافی برای زندگی برخوردار باشند. تشدید بحران سال‌های گذشته بخشی از افشار متوسط را نیز به فقر و نابودی کشانده و این روند با سرعت بیشتری ادامه دارد و به این جمعیت مرتب دارد اضافه می‌شود. اوضاع با چند دهه قبل تفاوت زیادی دارد. هم‌سرنوشتی بسیار عمیق‌تر و فراگیرتری شکل گرفته است و لازم است مبارزه‌ای فراکارگری و عمومی را به‌موازات اعتراضات جاری کارگران شروع کنیم. روشن است که فعالین و نهادها و تشکل‌های موجود هستند که می‌توانند چنین حرکتی را سازمان بدهند. همان فعالینی که انواع بیانیه‌ها و طومارها را سازمان می‌دهند، جنبش علیه اعدام و دادخواهی را شکل می‌دهند، فعالین حقوق زن، فعالین دانشجویی، وکلا، هنرمندان، نویسندگان و غیره می‌توانند حول معیشت و حق برخورداری از درآمد کافی برای یک زندگی انسانی نیز کارزارهای مشابهی سازمان بدهند. این عرصه‌ای است که می‌توان نیروی عظیمی حول آن به میدان آورد، بیش از هر عرصه دیگری. چنین حرکتی اتحاد گسترده‌تری را در میان مردم شکل می‌دهد و جنبش کارگری و کل جنبش برای معیشت را به یک فاکتور مهم سیاسی در جامعه تبدیل می‌کند.

جنبش کارگری فی‌الحال در خط مقدم جنبش برای معیشت است و فعالین این جنبش، تشکل‌های مختلف معلمان و کارگران و بازنشستگان می‌توانند شبکه‌ای سراسری ایجاد کنند و حمایت جامعه را از مبارزات کارگری و جنبش معیشت جلب کنند. باتوجه‌به اینکه معیشت معضل اکثریت عظیم جامعه است زمینه‌های عینی چنین حرکتی وجود دارد. باید گفت‌مان‌سازی کرد، شبکه‌های بزرگ‌تر و فراگیرتر از جنبش کارگری ایجاد کرد و این امر را عملی کرد.

علاوه بر این بخش‌های مختلف جنبش کارگری نیز خود به اتحاد وسیع‌تری نیاز دارند. همین‌الان در اواخر بهمن هستیم و در هفته‌های آینده شورای عالی کار رژیم دستمزدی چند بار زیر خط فقر برای کارگران تصویب می‌کند. اما تنها بخشی از طبقه کارگر شامل این تصمیم می‌شود. بخشی از کارگران شامل قانون کار نمی‌شوند و دستمزدشان توسط وزارت کار تعیین می‌شود. بخشی هم شامل هیچ‌کدام از این تصمیمات نمی‌شوند. حقوق معلمان توسط آموزش و پرورش و بازنشستگان توسط ارگان‌های مختلفی تعیین می‌شود و هر کدام از این بخش‌ها در حال حاضر جدا از دیگری دست به اعتراض می‌زنند و خواست‌های خود را مطرح می‌کنند. حقوق صدها هزار کارکن ادارات نیز که بخش اعظمشان در شرایط مشابه کارگران هستند توسط بخش خصوصی یا وزارتخانه خاصی تعیین

انترناسیونال: به بهانه انتشار اطلاعیه

حزب تحت عنوان "کل جامعه را به اتحاد علیه فقر و گرانی فرامی‌خوانیم!"

سؤالاتی را با شما در میان می‌گذاریم. موضوع فقر و فساد و گرانی و در مجموع مشکلات معیشتی گریبان اکثریت شهروندان را گرفته است و آحاد مردم آن را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. در چنین شرایطی چرا جنبش حول رفاه و معیشت نتوانسته به یک جنبش توده‌ای و همه‌گیر تبدیل شود؟

اصغر کریمی: این جنبش فی‌الحال گسترده است. اعتراضات هر روزه بازنشستگان تا تجمعات و اعتصابات طولانی مدت و گسترده کارگران نفت، اعتراضات پرستاران که از مرداد امسال به یک اعتصاب سراسری تبدیل شد، اعتراضات بسیاری از مراکز کارگری علیه دستمزدهای ناچیز یا علیه نپرداختن دستمزدها، اعتراضات افراد دارای معلولیت، اعتراضات دانشجویان علیه افزایش شهریه و انواع اعتراضات علیه تنگناهای اقتصادی بخش‌های مختلف مردم نشان می‌دهد که جنبش برای معیشت و علیه شرایط وخیم اقتصادی یکی از قدرتمندترین و متشکل‌ترین جنبش‌های اعتراضی در جامعه است. با این همه متوجه نکته شما هستم. درحالی‌که از کارگر و معلم، پرستار و بازنشسته و کارکنان ادارات تا میلیون‌ها بیکار، ده‌ها میلیون مردم فقیر و محروم از همه چیز به شدت از اوضاع ناراضی هستند چرا جنبشی سراسری و همه‌گیر برای درآمدی قابل زندگی جریان ندارد یا چرا اعتراضاتی که اشاره کردم پراکنده است.

روشن است که عامل اصلی اینکه این جمعیت میلیونی متحد و یکپارچه دست به اعتراض نمی‌زنند سرکوب و بی‌حقوقی است. اگر کارگران تشکل سراسری داشتند، قطعاً فراخوان تجمعات و اعتصاب سراسری می‌دادند و همه چرخ‌ها را متوقف می‌کردند. علی‌رغم این محرومیت بخش‌هایی از کارگران یا بازنشستگان و معلمان در طول دو دهه گذشته بارها دست به تجمعات و اعتصابات سراسری زده‌اند، به این دلیل که در این بخش‌ها به درجاتی متشکل شده‌اند. در فقدان تشکل‌های سراسری، کارگران در شرایطی می‌توانند دست به اعتصاب سراسری بزنند که توازن قوا کاملاً عوض شده باشد و کارگران نگران از دست دادن شغل و یا افتادن به زندان نداشته باشند. اما تا رسیدن به چنین شرایطی می‌توان ملزومات اعتراضات بزرگ و سراسری یا جنبشی همه‌گیر که شما مطرح می‌کنید را فراهم کرد.

انترناسیونال: اساساً چگونه و از چه راه‌هایی می‌توان حمایت وسیع و توده‌ای از جنبش کارگری را سازمان داد که مانند جنبش علیه حجاب، دادخواهی و علیه اعدام، به جنبشی فراگیر و عمومی در جامعه تبدیل شود؟

اصغر کریمی: در سال‌های گذشته و مشخصاً با شروع انقلاب زن، زندگی، آزادی شاهد بوده‌ایم که چگونه جنبش علیه اعدام علی‌رغم اینکه فاقد یک تشکل سراسری در داخل کشور است به یک جنبش توده‌ای از زندان تا بیرون زندان، در شکل بیانیه‌ها و طومارهای بزرگ و ترند شدن در شبکه ایکس و یا تجمعات و اعتراضات در خارج کشور تبدیل شده است. روشن است که این جنبش ابعاد میلیونی ندارد و عمدتاً، نه کاملاً، شامل اکتیویست‌های جنبش‌های مختلف می‌شود. بی‌حجابی نیز ویژگی‌های

اتحاد علیه فقر و گرانی

از صفحه ۹

می‌شود. یعنی کارگران، کادر درمان، معلمان، بازنشستگان و کارکنان دولتی و خصوصی تکه‌تکه شده‌اند و حول حقوق و دستمزد خود اتحادی ندارند. باید کاری کرد که معلم و پرستار و بازنشسته خود را در مبارزه علیه حداقل دستمزدی که یک ماه دیگر توسط شورای عالی کار برای بخشی از طبقه کارگر تعیین می‌شود شریک بدانند. تشکل‌های مختلف، بیانیه‌های مشترک بدهند، طومارهای مشترک راه بیندازند، تجمعات مشترکی سازمان بدهند و غیره.

انترناسیونال: سال‌ها پیش حزب کمونیست کارگری مبدع اعلام رقم مشخصی. به‌عنوان حداقل حقوق برای کارگران بود. آیا این راهکار در شرایط حاضر نیز ممکن و راهگشا است و می‌تواند مبنایی برای اتحاد صفوف مختلف مردم حول آن باشد؟

اصغر کریمی: دقیقاً ۲۰ سال قبل در اسفند ۱۳۸۳ بود که برای اولین بار مسئله تعیین یک رقم مطرح شد. دستمزد ۱۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان بود و یک فعال کارگری از ریسندگی و بافندگی کاشان با برنامه تماس گرفت و در مقابل سؤال ما که چقدر برای زندگی یک خانواده لازم است گفت ۴۵۰ هزار تومان، یعنی ۲۷۵ درصد افزایش حداقل دستمزد، و کمپینی شروع شد و هزاران نفر در ایران از جمله ۳۰۰۰ کارگر این مرکز در کاشان آن را امضا کردند و نسخه‌ای از طومارشان را به وزارت کار و ریاست‌جمهوری و برخی دیگر از ارگان‌های حکومت فرستادند. این رقم باتوجه‌به تورم در سال‌های بعد به نیم‌میلیون، یک میلیون و پنج میلیون و غیره افزایش یافت. تقریباً کلیه تشکل‌های کارگری به تدریج به آن پیوستند و این مسئله به یک خواست متحد تشکل‌ها و بسیاری از فعالین تبدیل شد و اتحادی را حول دستمزد شکل داد. سال ۱۳۹۹ کارگران نفت و سپس فولاد اهواز پرچم ۱۲ میلیون را برافراشتند. این حرکتی بسیار پیشرو بود. بحث را از دالان‌های شوراهای اسلامی و خانه کارگر که حداکثر ۳۰-۲۰ درصد افزایش دستمزد را مطرح می‌کردند خارج کرد و بجای خواست ناقص و نارسای افزایش دستمزد متناسب با تورم، رقمی را که معادل چند صددرصد افزایش دستمزد بود به خواست کارگران تبدیل کرد.

این پیشروی چنان مهم بود که حتی شوراهای اسلامی و رسانه‌های

وابسته به حکومت را نیز به دنبال خود کشاند و چندین سال است که از سید معیشت ۱۵ میلیون در سه سال قبل و یا ۲۹ میلیون و ۵۰۰ هزار در حال حاضر صحبت می‌کنند و جالب است که درحالی‌که می‌گویند الان سید معیشت ۲۹ میلیون و ۵۰۰ است، بی‌شمارانه می‌فرمایند دستمزد را از ۷ و نیم میلیون به ۱۵ میلیون، یعنی صددرصد افزایش، برسانید که قدرت خرید کارگران مثل زمستان ۱۴۰۱ باشد!

اینکه در حال حاضر نیز این خواست کارایی دارد یا نه، به نظر من همچنان این خواست هم عملی است، هم کارایی دارد و هم بسیار مهم است. اما تورم با سرعتی بسیار سریع‌تر از بیست سال و ده سال قبل رشد می‌کند و هر رقمی که امروز گفته شود سه ماه دیگر کارایی خود را از دست می‌دهد. در نتیجه بحثی که در حال حاضر در محافل و تشکل‌های کارگری و بازنشستگان مطرح است تعیین دستمزد به دلار است. بحثشان این است که با حقوق و دستمزد کمتر از ۶۰ میلیون نمی‌توان زندگی کرد و مبنای دستمزد درحالی‌که هزینه‌ها دلاری است به دلار تعیین شود. ۶۰ میلیون یعنی حدود ۷۰۰ دلار. این می‌تواند مبنای اتحاد بخش‌های مختلف کارگران و همه جامعه قرار گیرد. یعنی درآمد همه خانواده‌ها نباید کمتر از ۷۰۰ دلار در ماه باشد. می‌توان گفت‌مانی عمومی شکل داد، همه مردم معترض و آزاده را به آن جلب کرد و جنبشی قدرتمند به راه انداخت.

حکومتیان استدلال می‌کنند که تحریم هستیم، صندوق‌هایمان خالی است و توان پرداخت چنین دستمزدهایی را نداریم. اولاً مسئول این ناتوانی و بحران و تحریم و ورشکستگی خود آنها هستند، صندوق‌ها را هم خودشان خالی کرده‌اند و ثانیاً باید پرچم قطع همه هزینه‌هایی که صرف دموکراسی، مذهب، سرکوب و تروریسم و مفت‌خوری قشر انگل جامعه می‌شود را به اهتزاز درآوریم. این نیز وجه دیگر خواست یک زندگی انسانی و حقوق پایه مکفی برای یک زندگی انسانی است.

روشن است که میلیاردرهای حاکم به چنین خواستی تن نمی‌دهند همین‌طور که به‌سادگی به لغو مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و غیره تن نمی‌دهند. اما اولاً باید در همه عرصه‌ها توقعات خود را از آزادی و از یک زندگی انسانی با صدای بلند مطرح کنیم و حول آنها متحد شویم و ثانیاً این خواست‌ها را به فشاری روی حاکمان و پادوهای آنها در خانه کارگر و شوراهای اسلامی تبدیل کنیم. نباید اجازه بدهیم با فقر بیشتر سطح توقعات ما را پایین بیاورند. این نه‌تنها برای مبارزه امروز ما بلکه برای آینده موردنظر ما نیز اهمیت حیاتی دارد.*



“ترامپیسیم” در ایران، رؤیای تحقق نیافتنی رضا پهلوی

مهران محبی

رضا پهلوی خیلی شیفته روش حکمرانی ترامپ است و در رؤیای متحقق کردن کپی آن برای ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. چنین انتظاری از رضا پهلوی عجیب نیست. شیوه حکمرانی نظام سرنگون شده پدرش شباهت‌های زیادی با شیوه ترامپ امروز در آمریکا دارد. عرق شدید ناسیونالیستی، نژادپرستی و به برتری رساندن مقام و اعتبار وطن و توسعه صنعت و اقتصاد و بالابردن سودآوری سرمایه در جغرافیای ملی به بهای تحمیل فشارهای اقتصادی و معیشتی بر اکثریت مردم کارگر و مزدبگیر از تشابهات اساسی “ترامپیسیم” با سیاست‌های اقتصادی محمدرضا پهلوی (همان سیاست‌هایی که امروزه طرفدارانش آن را بلندپروازی‌های او می‌نامند) است.

تفاوت‌ها هم زیاد هستند، ولی بنیادی و ماهوی نیستند. تفاوت‌ها تنها متأثر از شرایط و جغرافیا و تاریخشان است. حکمرانی محمدرضا پهلوی در شرایط پیش‌سرمایه‌داری شروع شد و در نیمه دوران خود با تولد سرمایه‌داری آن هم نه به واسطه انقلاب سیاسی - اجتماعی که مناسبات سیاسی، حکومتی و فرهنگی را دگرگون کرده باشد، بلکه به واسطه یک اقدام دستوری از بالا که به “انقلاب سفید شاه و مردم” معروف گردید، هم‌زمان بود که بسیاری از روابط کهن دوران فئودالیسم از جمله خودکامگی و دیکتاتوری حکومتی با ساختار اشرافیت و درباری را دست‌نخورده باقی گذارد و اصول بقیه دوران حکمرانی وی تا انقلاب سال ۱۳۵۷ گردید.

اما شرایط امروز جامعه آمریکا که مدرن‌ترین جامعه تحت قدرتمندترین نظام اقتصاد سرمایه‌داری در جهان است، به ترامپ چنان اجازه‌ای نمی‌دهد تا مانند دیکتاتورهای خاورمیانه‌ای، آفریقایی و از نوع آمریکای جنوبی در عرصه داخلی حکمرانی کند. در عرصه بین‌المللی نیز محدودیت‌های زیادی دارد که بخش اعظمش باز هم به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین فرهنگی در داخل آمریکا مربوط می‌شود.

رضا پهلوی که در آرزوی بازپس‌گیری تاج‌وتخت از دست‌رفته پدرش “هوا برش” داشته است که می‌تواند با مدرن‌سازی صنایع و ورود به بازار اقتصاد و تجارت جهانی، سیستم اقتصادی سرمایه‌داری را در ایران برای هر صاحب سرمایه ایرانی متحول و افتخارآمیز کند و به اصطلاح اعتبار و احترام به ایران را در سطح جهانی بازگرداند، (همان خیال‌پردازی‌ای که ترامپ با شعار “اول آمریکا” در مورد آمریکا می‌کند) به‌طوری که هم‌مسو و هم‌جهت با انتظارات غرب باشد، به اصطلاح “شال‌وکلاه” کرده و در راهروهای قدرت در آمریکا و در غرب در تکاپوی ترغیب قدرت‌ها برای از میان برداشتن خامنه‌ای از هر طریق ممکن و تفویض تخت سلطنتی به خود افتاده است. او متوجه نیست که اوضاع در داخل ایران دیگر حتی مطلوب برای مدل “بایدن” و “مکرون” هم نیست چه رسد به مدل “ترامپ”!

این بیچاره برای اثبات توانایی‌اش در تبدیل شدن به یک جایگزین و یک آلترناتیو موردنظر غرب و آمریکا هر قولی می‌دهد، هر بالا و پایینی می‌پرد و هر شکلی در می‌آورد؛ اما همه اینها تا حالا بی‌فایده بوده است. هر چه برای جلوگیری از ایجاد “خلأ قدرت” بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تعهد می‌دهد، هر قدر دادو فریاد می‌زند که با بخش‌هایی از درون حکومت جمهوری اسلامی و سپاه و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی و سرکوبگر در ارتباط تنگاتنگ است و قول همکاری و همراهی با خود را از آنها گرفته

است و وعده ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی آسان به منابع و معادن پرسود و وصل کردن اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی و رعایت همه اصول اقتصاد بازار آزاد را می‌دهد و در عین حال که اداهای دفاع از حقوق بشر و حقوق مردم ایران از خود در می‌آورد، شکلک رهبری دوران گذار و ژست تأمین‌کننده امنیت در منطقه را به خود می‌گیرد و شتابزده و ذوق‌زده در قالب پیام تبریکش به ترامپ در روز تحلیف ریاست جمهوری درخواست حمله به جمهوری اسلامی می‌کند و از دولت آلمان گدایی راه‌دادنش به کنفرانس امنیتی مونیخ می‌کند و هر چه به ترامپ پیام می‌دهد که جمهوری اسلامی تضعیف شده و فرصتی طلایی برای حمله نظامی است، نه ترامپ او را به حساب می‌آورد و نه در هیچ جای دیگری در مجامع رسمی بین‌المللی جایی برایش باز می‌کنند. به‌طوری که همین چند روز اخیر پاسخ التماس‌هایش از دولت آلمان برای دومین بار با تحقیر و رسوایی برای خودش و طرف‌دارانش همراه بود.

رضا پهلوی که علی‌رغم تحقیرشدن‌هایش توسط سران و دستگاه‌های دولت‌های غربی و آمریکا همچنان از تلاش برای بازگشت به تاج‌وتخت به واسطه دخالت‌های نظامی غرب دست نمی‌کشد، فکر یک مشکل را نکرده است که اتفاقاً همان دولت‌های غربی به درازای طول زمان حاکم شدن جمهوری اسلامی بر جامعه ایران به آن واقف بوده و راهی برای حل آن نیافته‌اند. مشکل، اوضاع سیاسی و اجتماعی در داخل ایران است که “هیچ‌جوره” با معیارها و استانداردهای تبعیض‌آمیز اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و غیره سازش نمی‌کند.

در ایران بعد از سرنگونی رژیم شاه جنبشی علیه حکومت اسلامی و برای به تحقق رساندن آرمان‌های انقلاب شکست‌خورده ۵۷ پا گرفته که امروز با رادیکال‌ترین، چپ‌ترین و انسانی‌ترین جنبه‌ها که حتی مدرن‌ترین جوامع در غرب را متوجه نواقص و کمبودهای دستاوردهای انسانی تاکنونی خود کرده است، به پیش می‌رود.

معضل اصلی امروز برای دولت‌های غربی و از جمله ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به‌عنوان دارندگان قدرت و توان دخالت برای “رژیم‌چنج” و همچنین برای رضا پهلوی به‌عنوان منتظرالسلطنه، در جریان بودن انقلاب “زن، زندگی، آزادی” است که جامعه را از همه استانداردهای حتی مدرن‌ترین و به اصطلاح دمکرات‌ترین نظام‌های موجود که بر محور تبعیض طبقاتی و استثمار بنا شده‌اند، عبور داده است.

در نتیجه، رضا پهلوی بیهوده زنگ “درب” پارلمان‌ها و مراکز قدرت غربی‌ها را می‌زند تا شاید به داخل راهش دهند؛ بلکه عجزنامه و تعهدنامه‌اش را بپذیرند. ترامپ و دیگر سران اروپایی باهوش‌تر از آن هستند که روی کسی برای جایگزین‌کردنش با خامنه‌ای حساب باز کنند که غیر از برخورداری از حمایت تعداد معدودی از ساواکیان و وابستگان رژیم سرنگون شده پیشین آن هم در خارج از ایران، فاقد پایگاه اجتماعی قابل اتکالی است.

مردم با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند کرد و با انهدام همه ارکان قدرت آن که نقطه امیدهای رضا پهلوی برای ساختن دیکتاتوری آینده مطلوب وی هستند، نظامی برآمده از اراده جمعی و شورایی برپا خواهند کرد.*

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

حکم اعدام شریفه محمدی باید لغو شود!

شریفه باید فوراً آزاد شود!

احکام اعدام را به خواست و شعاری بسیار فراگیر تبدیل کرده است، جنبشی. که با طومارهای صدها هزارنفره و اعتصاب عمومی در کردستان و دهها شکل اعتراضی دیگر در مقابل حکومت قد علم کرده است، با هر حکم اعدامی می‌تواند نیروی بیشتری به میدان آورد و این ابزار آدمکشی را از جمهوری اسلامی بگیرد. با این نیرو می‌توان حکومت را وادار کرد حکم اعدام شریفه و سایر محکومین به اعدام را لغو کند.

حکم اعدام برای شریفه محمدی را قویاً محکوم می‌کنیم و کل جامعه را به اعتراض گسترده علیه احکام اعدام کلیه محکومین به اعدام و پیوستن به کارزار علیه اعدام در ایران و در خارج کشور و تلاش برای آزادی فوری شریفه و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی فرامی‌خوانیم.

اعدام قتل عمد دولتی است و باید ممنوع شود!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵

حکم اعدام شریفه محمدی بار دیگر در یک بیدادگاه جمهوری اسلامی تأیید شد. این حکم زیر فشار اعتراضات گسترده اجتماعی در داخل و خارج کشور در مهر ۱۴۰۳ در دیوان عالی کشور نقض شده بود. شریفه فقط یک جرم مرتکب شده است: دفاع از حقوق کارگران و به اتهام عضویت سابق در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری.

جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به ساده‌ترین خواست‌ها و نیازهای زندگی مردم و درحالی‌که خشم و اعتراض مردم در حال گسترش است، به تشدید سرکوب و اعدام و صدور احکام اعدام بیشتر روی آورده و این تنها وظیفه‌ای است که آدمکشان حاکم در مقابل جامعه به عهده گرفته‌اند. تصور می‌کنند می‌توانند به این شیوه جلوی سرنگونی را بگیرند.

جنبش علیه اعدام، جنبشی. که یک سال است سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام را شروع کرده و لغو مجازات اعدام و لغو کلیه

دیگر بس است! ما حق زندگی داریم!

با جنگ افروزی حکومت سفره اکثریت مردم با شیب تندتری خالی شده است. قیمت‌ها با سرعت بیشتری افزایش یافته و قدرت خرید ناچیز مردم تولیدکننده و زحمت‌کش جامعه هر ساعت پایین‌تر می‌آید. مردم هر روز گرسنه‌تر می‌شوند و این روند با سرعت ادامه دارد. به این وضعیت می‌توانیم و باید خاتمه دهیم.

مجلس مفت‌خوران حاکم بودجه نظامی را از جیب مردم سه برابر کرده است. بودجه اوپاش سرکوب مدام افزایش می‌یابد. هر سال نهادهای مذهبی تازه‌ای به منظور بالا کشیدن ثروت جامعه سر بر می‌آورند و پول‌های کلانی نصیب گردانندگانشان می‌شود.

بلند شویم و یک‌صدا اعلام کنیم که این جنگ، جنگ ما نیست ما با کسی. جز حکومت جنایت‌کار اسلامی سر جنگ نداریم. بلند شویم و اعلام کنیم که جنگ افروزی‌تان را پایان دهید. در نهادهای مذهبی‌تان را گل بگیرد و بودجه آنها را قطع کنید. بودجه ارگان‌های سرکوب را قطع کنید. اعلام کنیم که اموالی که توسط مقامات و آیت‌الله‌ها و نهادهای حاکم دزدیده شده باید مصادره شود و صرف زندگی مردم شود.

ما تک‌تک مردم حق زندگی داریم. کودکانمان حق زندگی دارند. با سرکوب نمی‌توانید صدای ما را خاموش کنید. حجاب اجباری موقوف! اختلاس‌های نجومی موقوف! خرافه‌پراکنی موقوف! بمب و موشک‌پراکنی موقوف! رجزخوانی جنگی موقوف!

بلند شویم و متحدانه به این جهنم فقر و سرکوب و لجنزار اسلامی پایان دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعه‌های هفته اخیر

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و
اخباری دیگر

امروز بیست و یکم بهمن‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های دیگر مقابل این سازمان در شهرهای شوش، اهواز و تهران تجمع داشتند. در تهران درحالی که برف می‌بارید بازنشستگان تأمین اجتماعی همراه با معلمان بازنشسته دست‌نوشته‌هایی با مضامین خواست‌هایشان به دست داشتند و تجمع کردند.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل استانداری تجمع داشتند و بن‌های اعتراضی آنان از جمله بنری با نوشته "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان معترض شعار می‌دادند: "مشکل ما این زمان، معیشت است و درمان"، "دولت انتصابی، دروغ می‌گه حسابی"، "ننگ ما، ننگ ما، صداوسیما ما"، "وزیر کار با دولته، دستش تو جیب ملتته"، "نه خواری، نه ذلت، ننگ بر این عدالت"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه". در شوش بازنشستگان مثل همیشه از هفت‌تپه و کرخه و شوش گردآمده بودند و شعار می‌دادند: "بازنشسته اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، و "نوروز ذبیحی آزاد باید گردد". نوروز ذبیحی یکی از بازنشستگان تأمین اجتماعی است که روز ۷ بهمن به دلیل شرکت در اعتراضات بازنشستگان دستگیر شد.

در این روز بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و اهواز تجمع داشتند و با شعار بازنشسته داد بزن حق‌تو فریاد بزن پیگیر مطالبات خود شدند.

اعتراض علیه فقر و تبعیض و بساط سرکوبگری‌های حکومت و اختلاس‌ها و دزدی‌ها موضوع مشترک اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان است و افزایش حقوقها طبق تورم و بالای رقم سبد معیشتی، درمان رایگان، آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، و پایان دادن به چپاولگری‌ها و تعرضات معیشتی خواست‌های مشترک آنهاست.

حق تجمع و اعتراض، اجرای کامل همسازی و پرداخت ۲۵ درصد معوقات سال ۱۳۹۹، پرداخت عیدی حداقل دو ماه حقوق همانند کارگران شاغل از جمله مطالبات فوری اعلام شده بازنشستگان تأمین اجتماعی است.

- خبر اعتراضی دیگر مربوط به تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری سایت پتروشیمی نگین مکران در روز گذشته است. طبق گزارشات پیمانکار پروژه، پس از اعتصاب این کارگران در تاریخ ۲ بهمن با اخراج و تهدید چند تن از آنان تنها با پرداخت حقوق مهرماه و با وعده پرداخت باقی‌مانده معوقات ماه‌های آبان، آذر و دی خواستار بازگشت به کار کارگران اعتصابی شد. اما کارگران در اعتراض به اخراج همکاران خود و تهدیدات امنیتی و با خواست پرداخت فوری همه معوقات مزدی خود به تجمع و اعتصابشان ادامه دادند.

- آخرین خبر مربوط به فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به احکام زندان برای ۵ معلم معترض در خوزستان و صدور شش سال حکم برای هریک از آنان است. در بخشی از فراخوان اعتراضی این شورا آمده است "ما امضاکنندگان این متن، ضمن حمایت قاطع از آقایان پیروز نامی، علی کروشانی، سیامک صادقی چهارزی و خانم کوکب بدانی پگاه (فعالان صنفی خوزستان) و مسعود فرهیخته (فعال صنفی البرز) خواهان نقض کامل این احکام و تبرئه معلمان نامبرده در دادگاه تجدیدنظر هستیم". تاکنون شماری از فعالین کارگری و اجتماعی و تشکل‌های کارگری از جمله زیر این فراخوان را امضا کرده و به این فراخوان اعتراضی پیوسته‌اند. حزب کمونیست کارگری از

این کارزار حمایت کرده و همگان را به پیوستن به آن فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ بهمن ۱۴۰۳، ۲ فوریه ۲۰۲۵

ادامه کارزار نه به اعدام، تجمع خانواده‌های
محکوم‌به‌اعدام در سقز و تهران و شعاردهی‌های شبانه
در سالگرد انقلاب ۵۷

اعتراضات مردمی دور جدیدی به خود گرفته است. امروز ۲۳ بهمن کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام که دامنه‌اش به ۳۵ زندان کشیده شده وارد پنجاه و پنجمین هفته خود شد. اعضای این کارزار در بیانیه خود به اشاره به افزایش شمار اعدام‌ها و صدور احکام بیشتر اعدام نسبت به خطر اعدام پخشان عزیزی که اعاده دادرسی وی رد شده است هشدار دادند و نوشتند "در صورت خارج کردن خانم پخشان عزیزی از بند عمومی برای اجرای حکم، تدابیر و راهکارهای جدیدی را برای مقابله با این حکم غیرانسانی اتخاذ خواهند کرد و از هیچ تلاشی برای جلوگیری از این جنایت فروگذار نخواهند کرد". در ادامه بیانیه از همه مردم خواسته شده است که به هر شکل ممکن در مقابل اجرای این حکم بایستند. در این بیانیه همچنین به ممنوع‌الملاقات شدن شماری از زندانیان سیاسی بند زنان و بند ۸ اوین به‌خاطر اعتراضشان به حکم اعدام و انتقال اجباری دو زندانی سیاسی، بهروز احسانی و مهدی حسن به انفرادی اشاره شده است. حزب کمونیست کارگری از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و زندانیان بند زنان اوین و بند هشت آن که ستون محکمی در برابر اعدام‌ها هستند حمایت کرده و بر رفع محدودیت‌های امنیتی علیه آنان تأکید می‌کند.

در این روز همزمان فعالان مدنی و خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام در مقابل زندان اوین و سقز در اعتراض به احکام اعدام تجمع کردند. تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین نه به اعدام، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زن، زندگی، آزادی، برای لغو اعدام اتحاد اتحاد، خواهان لغو مجازات اعدام از محکومیت‌های قضایی، پایان دادن به اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی شدند. در ادامه این اعتراضات در این روز مریم یحوی، زندانی سیاسی، در اقدامی زیبا پس از آزادی با در دست گرفتن پارچه‌نوشته‌ای نسبت به احکام اعدام اعتراض کرد.

از سوی دیگر به مناسبت سالگرد انقلاب ۵۷ در شامگاه ۲۱ بهمن بخش وسیعی از مردم به شکل میدانی وارد عمل شدند و در پانزده منطقه تهران و در شهرهای کرج، مشهد، پردیس، اراک، کرمانشاه و شیراز در پاسخ به فراخوان حکومت برای الله‌اکبر گفتن، شعارهای ضد حکومتی سر داده شد. در این حرکت اعتراضی مردم شعار می‌دادند: "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر حکومت اعدای"، "خامنه‌ای حیا کن، بشار اسد رو نگاه کن".

در کوی پاسداران ده‌دهشت کهگیلویه و بویراحمد در دو شب متوالی از سوی جوانان شهر تظاهرات ضد حکومتی انجام گرفت و مردم با بستن جاده با روشن کردن آتش صدای اعتراض خود را بلند کردند. طبق گزارشات در این شب ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی ده‌دهشت با یاسوج و شهرهای اطراف آن قطع شده و نیروهای امنیتی از اصفهان به ده‌دهشت گسیل شدند. این اخبار در کنار اعتراضات گسترده مردمی بر سر معیشت فضای خشمگین و انقلابی جامعه را به نمایش می‌گذارد.

تجمعات اعتراضی علیه اعدام‌ها همراه با خانواده‌ها و حرکت‌های

"حزب کمونیست کارگری ایران"

۲۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۵

سومین شب خیزش دهدشت، دستگیری شش نفر از معترضین

شب گذشته مردم دهدشت در سومین شب متوالی دست به تظاهرات زدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. معترضین شجاع در دهدشت در این شب با به دست گرفتن بنری با نوشته از تهران تا دهدشت اتحاد اتحاد، در کف خیابان شعار امسال سال خونه سید علی سرنگونه را سر دادند. در این شب نیروی یگان ویژه در چهارراهها و میدانی شهر مستقر شده بودند، اما مردم با آتش زدن لاستیک و روشن کردن آتش در نقاط مختلف شهر به اعتراضات و تظاهراتشان ادامه دادند. بنا بر گزارشات در این سه روز حداقل ده نفر از جوانان دستگیر شده‌اند. اسامی پنج نفر از دستگیرشدگان عبارتند از: عاطفه طاهرنیا، امیرحسین جعفری، پوریا براتی، جابر فروغی و کامران بوذری.

بنا به آخرین گزارشات، نیروهای امنیتی به صورت مسلح به منزل فرهاد دستمردی از معترضین اعتراضات چند روز گذشته دهدشت یورش برده و با تهدید به پدرش گفته‌اند "کفن پسر را آماده کن". بدین ترتیب خطر جانی او را تهدید می‌کند و موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. برخی روایات حاکی از این است که او از دسترس مأمورین خارج شده و تا عصر امروز چهارشنبه دستگیر نشده است.

فرهاد دستمردی کسی است که بنر اصلی اعتراضات دهدشت را در دست داشت و شعارهای ضد حکومتی سر می‌داد. او از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی است که در دو مقطع مهر ۱۴۰۱ و مرداد ۱۴۰۲ بازداشت شده بود و پیش از اعتراضات اخیر دهدشت با قید وثیقه دو میلیارد تومانی آزاد شد. دستمردی در جریان مضحکه انتخاباتی حکومت در خرداد ۱۴۰۳ طی پیامی ویدئویی با گفتن یک نه قاطع به جمهوری اسلامی گفت که نباید در این مضحکه شرکت کرد و صحبتش را با شعار زن زندگی آزادی پایان داد. آزادی دستگیرشدگان دهدشت خواست همه مردم است. با تجمع همراه با خانواده‌های دستگیرشدگان در مقابل زندان دهدشت و ارگان‌های حکومتی سرکوبگران را وادار به آزادی عزیزانمان کنیم.

دهدشت نوک کوه یک جامعه خشمگین و در حال انفجار و اعتراض است. دهدشت صدای مردمی است که از فقر و بی‌تامینی و سرکوب و جنایت جانیشان به لب رسیده است. مردمی که به اشکال مختلف ادامه انقلاب را فریاد می‌زنند. دهدشت جرقه اول را زد. در این هفته شعاردهی‌های شبانه در تهران و چندین شهر دیگر زنگ شروع دور جدیدی از اعتراضات شبانه را به صدا در آورد و این در حالی است که نقطه‌نقطه کشور از خشم و اعتراض می‌جوشد. قیام اعتراضی مردم دهدشت در کف خیابان را می‌شود در تمام شهرها تکثیر کرد. با تمام قدرت به حمایت از مردم دهدشت برخیزیم و بار دیگر فریاد رسای زن زندگی آزادی را در سطح سراسری سر دهیم.

جمهوری اسلامی نابود باید گردد**حزب کمونیست کارگری ایران**

۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضی از سوی فعالین اجتماعی و زندانیان سیاسی، در کنار کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام فصل جدیدی در جنبش قدرتمند نه به اعدام گشوده است. وسیعاً به جنبش علیه اعدام پیوندیم. تجمعات اعتراضی همراه با خانواده‌ها را در تمام شهرها تکثیر کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۱ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران ارکان ثالث گاز فجر، ذوب آهن فولاد خزر و اخباری دیگر

روز ۲۳ بهمن ماه کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر در یکی دیگر از سه‌شنبه‌های اعتراضی خود با فریاد "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه" پیگیر مطالبات پاسخ نگرفته خود شدند و صدای اعتراضشان را علیه تهدیدات و احضار کارگران معترض توسط حراست شرکت بلند کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران معترض با اشاره به نزدیک شدن تعطیلات عید و مشکلات اقتصادی خود تجمع خود را پاسخی به تهدیدات امنیتی مدیریت و حراست اعلام کرده و بر پاسخگویی فوری به مطالباتشان تأکید کردند. خواسته‌های فوری کارگران در جم عبارت‌اند از افزایش مزد، حذف شرکت‌های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان‌سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدای، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار و...

کارگران نفت به‌ویژه کارگران ارکان ثالث امروز در صف جلوی مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها هستند. از خواسته‌ها و مبارزاتشان حمایت و پشتیبانی کنیم.

در این روز همچنین کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود و بلا تکلیفی شغلی‌شان در محوطه شرکت دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. طبق گزارشات این کارگران در همین رابطه در طول ماه‌ها و هفته‌های گذشته بارها دست به تجمعات اعتراضی زده‌اند؛ اما تاکنون هیچ اقدامی از سوی مسئولین استانی و کشوری جهت رفع مشکلات منجر به تعطیلی این مجتمع تولیدی صورت نگرفته است.

- تجمع اعتراضی دیگر در این روز مربوط به متقاضیان مسکن ملی قزوین در مقابل استانداری است. در این حرکت اعتراضی جمع کثیری از این متقاضیان در اعتراض به عدم تحویل مسکن‌های خود و اختلاسگری‌ها و علی‌رغم حضور نیروهای سرکوبگر دست به تجمع زدند.

در این روز همچنین مردم در شهر اراک نهمین تجمع اعتراضی خود را علیه مازوت‌سوزی که جنایتی آشکار علیه مردم است و جان و سلامت آنها را به خطر می‌اندازد برگزار کردند. تجمع کنندگان شعار می‌دادند: "وزیر نفت و نیرو استعفا، استعفا"، و "مازوت‌سوزی جنایت".

و بالاخره اینکه امروز ۲۳ بهمن آب‌شده‌فروشان کل ایران در واکنش به نوسانات بازار و رسیدن نرخ دلار به ۹۴ هزار تومان و مسدودی حساب‌ها دست به اعتصاب زدند. معترضین بازار اعلام کرده‌اند که تا بازگشت آرامش به بازار و تعیین قیمت‌ها، از قیمت‌گذاری در کانال و انجام معاملات معذورند.

بازار نبض اقتصادی جمهوری اسلامی است. افزایش نرخ دلار به ۹۴ هزار تومان امروز اعتصاب سراسری آب‌شده‌فروشان را در پی داشت و زرمه‌های اعتصاب در کل بازار بالا گرفته است. این در حالی است که خودشان احتمال افزایش نرخ دلار و سقوط ارزش ریال را می‌دهند. در برابر این شرایط و به فلاکت رسیدن بیشتر مردم و سقوط معیشت جامعه است که امروز شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" به شعار متحدکننده اعتراضات مردمی تبدیل شده است.

زنده باد**انقلاب زن، زندگی، آزادی**

قطعی برق، اختلال تولید در شهرک‌های صنعتی، شعاردی‌های شبانه

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ بهمن ۱۴۰۳، ۱۳ فوریه ۲۰۲۵

شریفه محمدی باید بدون قید و شرط آزاد شود

وکلائی شریفه محمدی، محمدرضا نظری نژاد و محمدرضا سروری از صدور مجدد حکم اعدام برای شریفه محمدی فعال کارگری و اجتماعی خبر دادند. قاتلان اسلامی برای بار دوم در مرحله اعاده دادرسی این حکم ضدانسانی را در مورد شریفه تأیید کرده‌اند.

حکومت درمانده اسلامی با صدور این احکام برای شریفه محمدی، پخش‌شان عزیز، وریشه مرادی و دیگر زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام تلاش می‌کند فضای اعتراض و خشم عمومی مردم علیه خود را عقب براند. هم‌زمان با گسترش اعتراضات و سردادن شعارهای شبانه مردم، "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه‌ای"، باندهای قضایی طناب دار را نشان می‌دهند.

حکومت ورشکسته اسلامی خوب می‌داند که مردم متنفر و منزجر از این رژیم آدمکش به تلاش و مبارزه خود تا آزادی زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام کوتاه نخواهند آمد. جنبش علیه اعدام در هفته‌های گذشته نشان داد نیروی عظیمی را بسیج کرده است همین نیرو می‌تواند برای نجات جان شریفه محمدی و سایر محکومین به اعدام به حرکت درآید و حرکت قدرتمندی علیه این حکم و سایر احکام اعدام سازمان بدهد.

نه به اعدام، زنده‌باد زندگی
سرنگون باد حکومت آدمکش اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ بهمن ۱۴۰۳، ۱۳ فوریه ۲۰۲۵

سخنرانی مسعود ارژنگ در نشست حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی، جنبش کارگری در ایران و علیه اعدام‌ها

روز ۲۵ بهمن در جلسه کمیته رهبری اتحادیه کارگران بخش خدمات عمومی (BCGEU) در ونکوور کانادا مسعود ارژنگ معاون دبیرکل این اتحادیه در حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش کارگری در ایران و در محکومیت سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی و اعدام‌ها سخنرانی کرد و همه فعالین اتحادیه و کارگران را فراخواند که سیاست‌های جمهوری اسلامی علیه کارگران و مردم در ایران را محکوم کنند. این برنامه به فراخوان واحد ونکوور کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) برگزار شده بود. بی سی ای یو یکی از اتحادیه‌هایی است که همواره همبستگی و حمایت خود را از خواست‌ها و اعتراضات کارگران و مردم ایران اعلام کرده و از حامیان و امضاکنندگان کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است که فری دم ناو آن را به جریان انداخته است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵



اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه را دربرگرفته است. جرقه‌های اعتراضات خیابانی و شعاردی‌های شبانه دوباره زده شده است. از سوی دیگر بخش‌های مختلف جامعه در اعتراض هستند. حکومت امروز تحت عنوان کمبود سوخت در ۲۵ استان برق را قطع کرد. شب گذشته در نقاط مختلف تهران همراه با قطعی برق شعارهای مرگ بر دیکتاتور سر داده شد. قطعی برق فعالیت تولیدی در مراکز کاری و در شهرک‌های صنعتی مختلف را مختل کرده است و امروز بیست و چهارم بهمن‌ماه کارگران در شهرک صنعتی چهاردانگه با بزری با مضمون "برق نیست، کار نیست، کار نیست، نان نیست" به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی‌شان را سر دادند.

هم اکنون شهرک‌های صنعتی با مشکل جدی قطع برق روبرو شده‌اند. قطعی متوالی و روزانه برق بسیاری از شهرک‌های صنعتی را با وضعیت بحرانی روبرو کرده و با تعطیلی شیفت‌های کاری سونامی‌ای از بیکارسازی به راه افتاده است. این موضوع به فضای اعتراضی در محیط‌های کارگری شدت داده است.

امروز همچنین کارگران ذوب‌آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به تعطیلی کارخانه و بلاتکلیفی خود برای دومین روز در محوطه کارخانه تجمع کردند. بنا بر خبرها از ابتدای دی‌ماه سال جاری تولید در این واحد تولیدکننده انواع شمش‌های فولادی به بهانه مشکلات مالی متوقف شده و حدود ۳۰۰ کارگر آن در بلاتکلیفی به سر می‌برند. مدیریت بدی‌های معوقه کارخانه به نهادهای دولتی و خصوصی از جمله اداره برق را موجب توقف فعالیت تولیدی کارخانه عنوان کرده است. اما کارگران هلدینگ دانشگاه امام صادق را به‌عنوان متولی کارخانه، پشت ماجرای توقف تولید و تعطیلی آن می‌دانند. کارگران اشتغال و پرداخت ب‌موقع مزد را حق مسلم خود می‌دانند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران ارکان ثالث بلال، مخابرات آذربایجان شرقی، و داروسازان اصفهان

امروز بیست و پنجم بهمن‌ماه کارگران ارکان ثالث سکوی نفتی بلال به اعتراضات همکاران ارکان ثالث که مدتی است هر هفته جریان دارد پیوستند. در این روز همچنین کارگران ارکان ثالث شرکت نفت فلانت قاره در لاوان تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند.

-افزایش مزد متناسب با شرایط و گرانی بازار در روزهای نزدیک به عید، حذف شرکت‌های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان‌سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه‌کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار اینها شماری از خواست‌های کارگران ارکان ثالث است.

امروز همچنین داروسازان اصفهان در اعتراض به گرانی بیش از ۴۰۰ قلم از داروهای تحت پوشش تأمین اجتماعی در مقابل این سازمان تجمع کردند و با فریاد صندوق پدروآمد چه بر سر تو آمد و شعار دارو کالای لوکس نیست بازی با سلامت است صدای اعتراضشان را بلند کردند.

آخرین خبر اینکه نیروهای پیمانکاری مخابرات آذربایجان شرقی در ادامه اعتراضاتشان برای دومین روز در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان دست از کار کشیدند. عدم دریافت حق سنوات، تبعیض در پرداختی‌ها و مشکلات مربوط به هزینه‌های درمان از جمله موارد مورد اعتراض این کارگران است.

بیمارستان، بدون طی کردن پروسه کامل بهبودی و سلامت بلافاصله به زندان بازگردانده می‌شوند.

زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار زیادی در زندان‌های متعدد، از امکانات درمانی و بهداشتی برخوردار نیستند و به همین دلیل هر روز شاهد مرگ تدریجی خود می‌باشند.

رژیم جمهوری اسلامی عامدانه و کاملاً هدفمند این زندانیان سیاسی بیمار را از دارو و درمان محروم کرده است. این یک سیاست سیستماتیک رژیم برای حذف فیزیکی زندانی سیاسی است. جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته و بیشتر از هر زمانی امروز قصد دارد به جای اعدام زندانی سیاسی و روبروشدن با اعتراضات جهانی این زندانیان را در سکوت به قتل برساند.

این سیاست رژیم «اعدام خاموش» و مصداق بارز «جنایت علیه بشریت» است.

اعتراضات هر روزه مردم و خانواده‌های زندانیان و دادخواه در کف خیابان و انزوای هر روز بیشتر جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی، رژیم را در موقعیت بسیار شکننده‌ای قرار داده است. اعتصاب ۳۵ زندان در سه‌شنبه‌های نه به اعدام و پیوستن هر چه بیشتر فعالین و خانواده‌ها به جنبش علیه اعدام و جهانی‌شدن آن، می‌رود تا خاک‌ریز اعدام چون خاک‌ریز حجاب، توسط مردم فتح شود.

مردم تصمیم‌شان را برای به زیر کشیدن رژیم گرفته‌اند. امروز صدها زندانی سیاسی و عقیدتی در شرایط سلامت خطرناکی به سر می‌برند و جان‌شان در خطر است.

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران با اعلام کمپین «نگذارید قلبشان از تپش بازایستد» از همه شما مردم آزادی‌خواه، نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق انسانی، اتحادیه‌ها، تشکلات و شبکه‌ها می‌خواهد به این کمپین پیوندید تا صدای زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار و خانواده‌هایشان با خواست آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان باشیم.

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

۲۲ بهمن ۱۴۰۳، ۱۰ فوریه ۲۰۲۵



اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کارزار «نگذارید قلبشان از تپش بازایستد»

جان زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار در خطر جدی قرار دارد! به کمپین «نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد» در دفاع از حق زندگی زندانیان بیمار پیوندید!

در حال حاضر هزاران نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی تحت بدترین شرایط زیستی و سلامت به سر می‌برند. این شرایط غیرانسانی مصداق بارز «شکنجه‌های جسمی و روانی» زندانی است. زندانیان سیاسی به دلیل بازجویی‌های طاقت‌فرسا همراه با ضرب و شتم، تهدیدات جنسی، شکنجه‌های جسمی، روحی و روانی و شرایط غیرانسانی زیستی و تغذیه در زندان و محرومیت از دارو و درمان ویژه، به انواع بیماری‌ها مبتلا شده‌اند. در مواردی اگر بیماری خفیفی از قبل داشته‌اند با قرارگرفتن در شرایط غیراستاندارد انسانی و به طور ویژه عدم آگاهانه دارو و درمان ویژه، بیماری‌شان وخامت پیدا کرده است و در مواردی در صورت انتقال به

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

Global Network to Free Political Prisoners in Iran



@iranglobalnetworkfpp



IranGlobalNetworkfpp@gmail.com



+447572356661

+31622029312

+43 650 3407007



راه‌های تماس:

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹- ۲۶ بهمن ۱۴۰۳

جمعه ۲۶ بهمن

سه‌شنبه‌های نه به اعدام است. وسیعاً به این جنبش بیبوندیم.

چهارشنبه ۲۴ بهمن

- در حمایت از ۵ معلم معترض در خوزستان به اسامی پیروز نامی، علی کروشوات، سیامک صادقی چهررازی و کوکب بداتی که به‌خاطر دفاع از حقوق معلمان در دادگاه بدوی هرکدام به شش سال حبس محکوم شده‌اند، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان فراخوانی در جهت حمایت از این معلمان و با خواست لغو فوری احکام صادر شده منتشر کرده است. این فراخوان به‌صورت کارزار اعتراضی جریان دارد و تشکل‌های مختلف معلمان طی بیانیه‌هایی اعتراض خود را به این سرکوبگری‌ها اعلام کرده و بر لغو احکام زندان صادر شده برای همکاران خود و نیز آزادی فوری و بدون قیدوشرط معلمان زندانی تأکید کرده‌اند. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری از این فراخوان و کارزاری که به جریان افتاده قاطعانه حمایت می‌کند. به این کارزار بیبوندیم.

- تجمع و اعتراض جوانان اهالی شعبیه شوشتر در مقابل درب ساختمان استانداری با مطالبه استخدام در شرکت کشت و صنعت نیشکر و دیگر شرکت‌ها در شهرستان محل سکونت خود.

سه‌شنبه ۲۳ بهمن

۸ کارگر شرکت بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ به قرارداد موقت پیمانی اعتراض دارند. در برابر تجمعات اعتراضی متوالی این کارگران سازمان آب برق خوزستان به‌عنوان کارفرمای اصلی مرتباً به کارگران طرح آبیاری کارون بزرگ وعده‌های بسیاری داده است. اما عملی صورت نگرفته است.

کارگران شرکتی باوجود کار مساوی با همکاران رسمی خود مزدی بسیار ناچیز و نابرابر دریافت می‌کنند و سال‌هاست از حق تبدیل وضعیت و امنیت شغلی محروم هستند. مدیریت سازمان آب و برق خوزستان به‌دفعات به ۳۵ نفر از این کارگران وعده تبدیل وضعیت برای تأمین امنیت شغلی داده است؛ اما اقدامی جدید صورت نگرفته است. آخرین تجمع اعتراضی این کارگران در هفته گذشته انجام گرفت و باز با وعده توخالی مدیریت روبرو شدند. این کارگران خواستار رفع تبعیض و تبدیل وضعیت همه نیروهای شرکتی مشمول طرح آبیاری کارون بزرگ هستند و اولتیماتوم داده‌اند که اگر پاسخ نگیرند برای اعتراض به وزارت نیرو در تهران مراجعه خواهند کرد.

دوشنبه ۲۲ بهمن

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته در شهر اهواز برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف با شعاردهی علیه سهام‌داران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه، بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می‌کشند.

یکشنبه ۲۱ بهمن

- بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های دیگر مقابل این سازمان در شهرهای شوش، اهواز و بازنشستگان فولاد در شهر اهواز تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند.

- جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان و دزدی‌ها و اختلاس‌ها از جمله تهی شدن صندوق تأمین اجتماعی بیانیه‌ای منتشر کرده‌اند. در این بیانیه از جمله به بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی به مبلغ بیش از ۳۵۰۰ همت اشاره شده است. بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در بیانیه خود همچنین طی منشوری هفده ماده‌ای بار دیگر بر اهم خواسته‌ها و مطالبات خود تأکید کرده‌اند که عبارت‌اند از: اجرای قانون ماده ۹۶، ۱۱۱ و تعیین سبب

- بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، شاخص کیفیت هوا بر اساس اندازه‌گیری ذرات معلق در آن در اهواز، دزفول، سوسنگرد، آبادان، خرمشهر، در وضعیت ناسالم و قرمز قرار داشت. همچنین هوای اندیمشک، گتوند، شوشتر، هویزه، ماهشهر و رامهرمز در شرایط «ناسالم برای گروه‌های حساس» و «نارنجی» بوده است. طبق این گزارش بر اساس شاخص ۲/۵ میکرون هوای هیچ‌کدام از شهرهای خوزستان در وضعیت "پاک" نبوده است. آلودگی هوا یک معضل سراسری در ایران است و خوزستان همواره در خط‌قرمز قرار داشته است. به‌خاطر آلودگی هوا ما با تعطیلی متوالی محیط‌های کار و ادارات و مدارس روبرو بوده‌ایم. ارک یک کانون داغ اعتراض علیه آلودگی هوا و مازوت‌سوزی است و سه‌شنبه‌های اعتراضی را شکل داده‌اند. این روز را باید در تمام شهرها به‌روز اعتراض سراسری تبدیل کنیم.

پنجشنبه ۲۵ بهمن

- مهران قره‌باغی از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ است. او در زندان شیبان اهواز به بیماری‌های مانند گال، بیماری قلبی و کرونا مبتلا شده است؛ اما به دستور مقامات از رسیدگی‌های پزشکی محروم است.

بنا بر گزارشات مقامات قضایی از تجمیع احکام او جلوگیری می‌کنند. قره‌باغی از ۶ سال پیش تا کنون در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد و مقامات و نهادهای امنیتی مانع انتقال وی به زندان بهبهان که محل سکونت خانواده‌اش است شده‌اند. گزارشات حاکی از آن است که زندانیان زندان شیبان اهواز با کمبود امکانات، تراکم بالای زندانیان و فشارهای متعدد مواجه هستند و این وضعیت موجب بروز بیماری‌های متعددی در میان آنان شده است. به‌ویژه اینکه برخی از آن‌ها سال‌هاست در حبس به سر می‌برند. همچنین به دلیل مداخلات امنیتی، زندانیان محبوس در زندان شیبان از دریافت خدمات درمانی محروم هستند و این خود بخشی از شکنجه روحی و جسمی در قبال زندانیان است.

- حجت آل محمدی متهم سیاسی اهل ایذه، پنج ماه است که با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام، اخلال در نظم عمومی و همکاری با گروه‌های مخالف نظام در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد. او در تاریخ ۲۶ شهریورماه، در منزل شخصی‌اش در ایذه بازداشت شد و پس از اتمام مراحل بازرجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز به زندان شیبان منتقل گردید.

- صبح روز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه، حکم اعدام یک مرد در زندان دزفول به اسم میلاد عطار که با اتهام «قتل عمد» به قصاص نفس محکوم شده بود، به اجرا درآمد. میلاد عطار سال ۹۲ یعنی زمانی که ۲۰ سال داشت، به علت قتل شوهرخواهر خود بر سر مسائل "ناموسی" بازداشت و به قصاص محکوم شده بود. طی این ۱۵ سال میلاد دو بار دیگر هم به‌پای چوبه دار منتقل شده بود. میلاد و میلادها قربانیان سیستم به‌غایت وحشی تحت حاکمیت قوانین ارتجاعی حکومت اسلامی هستند. اعدام ابزاری در دست حکومت برای سرکوب جامعه است. به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی، جمهوری اسلامی بر شمار اعدام‌ها افزود تا انقلاب را عقب بزند و برای جلوگیری از سر بلند کردن قدرتمندتر آن بر سرکوبگری‌هایش شدت می‌دهد. در برابر این سرکوب‌ها برای نجات جان انسان‌ها و در دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی جنبشی قدرتمند علیه اعدام شکل گرفته است. این جنبش با گفتمان احکام اعدام تحت هر عنوان و جرمی باید لغو، اعدام‌ها باید متوقف و به مجازات شنیع اعدام باید خاتمه داده شود هر روز دامنه‌اش گسترده شده و یک کانون مهم آن کارزار

پاییز و زمستان سوزانده می‌شود و طبق گزارشات دولتی این موضوع اثرات تخریبی در محیط‌زیست و هوای استان خوزستان گذاشته و اعتراضاتی را هم در پی داشته است. بنا بر گزارشات سالانه یک صدهزار هکتار در خوزستان زیر کشت نیشکر می‌رود که ۳۵ درصد از این مزارع به صورت برداشت سبز و ۶۵ درصد سوزانده می‌شود. این اقدام نیشکر باعث آلودگی هوا و نارضایتی مردم به‌ویژه در فصل پاییز و زمستان شده است.

ابعاد آلودگی هوا در خوزستان به حدی رسیده است که مقامات حکومتی در این روز جلسهای اضطراری تشکیل دادند. محمدجواد اشرفی سرپرست اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان خوزستان با اشاره به اهمیت بازیابی گازهای همراه نفت و اثرات آن بر کیفیت هوای استان از دعوت شرکت‌های نفتی اروندان، پالایشگاه بید بلند و پتروشیمی مارون به‌عنوان پیمانکاران شرکت مناطق نفت‌خیز در جمع‌آوری گازهای همراه با نفت برای حضور در این نشست جهت گزارش‌دهی در خصوص پیشرفت فیزیکی اجرای این طرح خبر داد. او طی سخنان اذعان کرد و گفت "با وجود تعهداتی که برای خاموش‌شدن فلرهای نفتی گرفته شده اما خوزستان از برنامه‌ها عقب است و در پیگیری‌های انجام شده از سوی دستگاه‌های متولی اعلام کردند با مشکلات مختلفی در این مسیر از جمله تملک اراضی روبرو هستند". طبق گزارشات وضعیت حمل‌ونقل خوزستان نیز تأثیری هفتاد و دودرصدی بر آلودگی هوای این استان دارد.

در این جلسه بر اختصاص تجهیزات و امکانات کافی برای سنجش آلودگی هوا به‌منظور اطلاع‌رسانی به مردم از سوی سازمان محیط‌زیست تأکید شد. این نشست و گزارشات نشان‌دهنده ابعاد فاجعه‌بار تخریب محیط‌زیست و آلودگی هوا در استان خوزستان است که جان و زندگی مردم را به خطر انداخته است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۶ بهمن ۱۴۰۳، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵

معیشتی برای افزایش دستمزد با تعیین حضور الزامی نماینده بازنشستگان در جلسات مزدی سالیانه، الزام درمان رایگان، ساخت و تجهیز درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های ملی. در غیر این صورت خواست خرید درمان رایگان در بیمارستان‌های غیردولتی که به‌توسط سازمان تأمین اجتماعی صورت پذیرد، پرداخت معوقات ۴۰ درصدی همسان‌سازی و درج افزایش مبالغ آن در پایه حقوقی احکام سال ۱۴۰۳، پرداخت ۲۵٪ باقی‌مانده متناسب‌سازی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و معوقات آن طبق برنامه توسعه ۵ساله ششم، عدم تأخیر در پرداخت حقوق ماهیانه بازنشستگان بدون فوت وقت، حتی در روزهای تعطیلی و واریزی حقوق ماهیانه برای کلیه بازنشستگان در یک روز متمرکز، کوتاه‌شدن دست ابریده‌کاران دولت‌ها از سازمان تأمین اجتماعی، بازپس‌گرفتن بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی که دولت‌ها ابر بدهکار به سازمان تأمین می‌باشند، پرداخت عیدی بازنشستگان تأمین اجتماعی مانند شاغلین، طبق ماده ۹۶، پرداخت حق جنگی، بدی آب‌وهوا، دوران اشتغال بکار بازنشستگان در مناطق جنگی برحسب ماده ۱۱۲ برنامه ۵ساله ششم که بیش از ۱۰ سال از تصویب آن می‌گذرد، حذف کسر ۲ درصد ماهیانه از فیش‌های حقوقی بازنشستگان بر مبنای ماده ۸۹ درون‌سازمانی، پرداخت ۲ درصد از سود شستا به کلیه بازنشستگان، بازگشت بانک رفاه از دست‌رفته به صاحبان اصلی آن کارگران و بازنشستگان، با سرمایه‌ای بالغ بر مبلغی بیش از ۳۷ همت، به سازمان تأمین اجتماعی، حذف بیمه‌های تکمیلی، و انققاد قراردادهای خرید درمانی در بیمارستان‌های غیردولتی به‌توسط کارشناسان مجرب سازمان تأمین اجتماعی، بازگشت الزامی بیش از ۴۰۰ قلم داروی حیاتی حذف شده از دفترچه‌های تأمین اجتماعی. بازنشستگان تأمین اجتماعی بیانیه خود را با شعار "معیشت، منزلت، درمان رایگان حق مسلم ماست" پایان داده‌اند.

- اعضای تعاونی مسکن بیمارستان ابوذر در اهواز در اعتراض به عدم تحویل مسکن‌های وعده شده و بالا کشیده‌شدن پول‌هایشان دست به تجمع زدند.

شنبه ۲۱ بهمن

- ۶۵ درصد باقی‌مانده محصولات مزارع نیشکر خوزستان در فصول



اخبار خوزستان



جمهوری اسلامی سرنگون
باید گردد!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید